

پیراوی اولی

قطعات تلاوت تدبری
۱۲ قطعه منتخب ماه محرم ۱۴۰۴

وحیدولوی

چپہ نام
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
حدای روزگرفشانیں جہنم بند

پیراوی دولت

قطعاتِ تلاوت تدبیری
۱۲ قطعه منتخب ماه محرم
محرم ۱۴۰۴

وحید ولوی

سرشناسه:	ولوی، وحید، ۱۳۷۰-
عنوان و نام پدیدآور:	روایت پیروزی: قطعات تلاوت تدبیری ۱۲ قطعه منتخب ماه محرم، محرم ۱۴۰۴/ وحید ولوی.
مشخصات نشر:	تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری:	۱۲۶ص؛ ۱۱× ۱۷ س.م.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۵۱۰۱-۰۷-
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
عنوان دیگر:	قطعات تلاوت تدبیری ۱۲ قطعه منتخب ماه محرم، محرم ۱۴۰۴.
موضوع:	تفاسیر شیعه -- قرن ۱۵
	Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 21st century
	قرآن .برگزیده ها -- ترجمه ها؛ Qur'an .Selections -- Translations
	Jihad in the Qur'an: جهاد در قرآن
	Victory in the Qur'an*: پیروزی در قرآن
	محرم -- شعائر و مراسم مذهبی؛ Muharram -- *Rites and ceremonies
شناسه افزوده:	سازمان دارالقرآن الکریم، نشر تلاوت
رده بندی کنگره:	BP۱۰۲
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۱۸
شماره کتابشناسی ملی:	۱۰۰۹۹۲۶۵



■ نام کتاب:	روایت پیروزی
■ نویسنده:	وحید ولوی
■ ناشر:	انتشارات تلاوت
■ ویراستار:	بتول احدی
■ طراح جلد:	حمیدرضا پورحسین
■ صفحه آرا:	هادی عبدالمالکی
■ نوبت چاپ:	اول / ۱۴۰۴
■ شمارگان:	۱۰ هزار نسخه
■ شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۵۱۰۱-۰۷-۴
■ قیمت:	۷۵,۰۰۰ تومان



فهرست

۹ ■ مقدمه

- ۱۱ • جایگاه تدبیر در قرآن
- ۱۳ • زندگی با آیه ها
- ۱۴ • روش استفاده
- ۱۶ • خط محتوایی

۲۱ ■ آیات محوری

- ۲۱ • ﴿وَلَا يَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۱۳)
- ۲۱ • ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...﴾ (۲۵)
- ۲۲ • ﴿... قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَغَمٍّ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ عَلَبْتَ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِأَذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (۲۵)
- ۲۲ • ﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُّعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (۱۳)
- ۲۳ • ﴿وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ...﴾ (۱۴)
- ۲۳ • ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۱۵)
- ۲۴ • ﴿... فَقَاتِلُوا أَلِئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾ (۱۷)
- ۲۴ • ﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ (۵۱)



- ۲۵ «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا ﴿٢٥﴾»
- ۲۵ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦﴾ وَ﴿٢٧﴾»
- ۲۶ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٢٨﴾»
- ۲۶ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ... ﴿٢٩﴾»

۲۷ ■ شب اول: پیروز تاریخ

- ۲۸ توضیح تدبیری آیات
- ۲۹ شرح آیات ۱۳۹ تا ۱۴۱ سوره آل عمران

۳۵ ■ شب دوم: رسوا کردن دشمن و بیداری مردم برای قیام ضد ظالم

- ۳۶ توضیح تدبیری آیات
- ۳۷ شرح آیه ۲۵ سوره حدید

۴۳ ■ شب سوم: اثبات عقلانیت مقاومت

- ۴۵ توضیح تدبیری آیات
- ۴۵ شرح آیات ۲۴۶ تا ۲۵۱ سوره بقره

۵۱ ■ شب چهارم: تربیت نسل مقاوم و هویتی عزتمند

- ۵۲ توضیح تدبیری آیات
- ۵۳ شرح آیات ۱۳۷ تا ۱۳۹ سوره نساء

۵۹ ■ شب پنجم: ناکامی دشمن در نابودی اسلام و ایجاد انحراف بزرگ

- ۶۰ توضیح تدبیری آیات
- ۶۰ شرح آیات ۱۱۸ تا ۱۲۰ سوره بقره



۶۵ ■ شب ششم: شکست پروژه جنگ روانی دشمن

- ۶۶ توضیح تدبیری آیات
- ۶۷ شرح آیات ۱۶۵ تا ۱۷۵ سوره آل عمران

۷۳ ■ شب هفتم: بی‌اعتمادی عاقلانه (نقد منطق سازش)

- ۷۵ توضیح تدبیری آیات
- ۷۶ شرح آیات ۱ تا ۱۲ سوره توبه

۸۳ ■ شب هشتم: عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد

- ۸۴ توضیح تدبیری آیات
- ۸۵ شرح آیات ۵۴ و ۵۵ سوره بقره

۹۱ ■ شب نهم: استقامت رمز پیروزی

- ۹۲ توضیح تدبیری آیات
- ۹۲ شرح آیه ۱۶ سوره جن

۹۹ ■ شب دهم: پیام امیدبخش شهدا

- ۱۰۰ توضیح تدبیری آیات
- ۱۰۰ شرح آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران

۱۰۵ ■ شب یازدهم: قیامی که به پیروزی نهایی منجر می‌شود

- ۱۰۶ توضیح تدبیری آیات
- ۱۰۷ شرح آیات ۳ تا ۶ سوره قصص

۱۱۳ ■ شب دوازدهم: وظیفه ما چیست؟

- ۱۱۵ توضیح تدبیری آیات
- ۱۱۶ شرح آیات ۴۵ تا ۶۰ سوره انفال

۱۲۳ ■ سخن پایانی





مقدمه

گاهی ما از عاشورا زیاد می شنویم، اما کمتر می فهمیم: صحنه هایی تکرار شونده، اشک هایی همیشگی، و روایاتی که بارها گفته شده اند...؛ اما آنچه گاه مغفول می ماند، منطق عاشورا است؛ چرایی قیام حسین علیه السلام، و چگونه دیدن آن در آینه امروز.

در روزگاری که تشخیص حق و باطل دشوار شده است، پرسش مهم این است، چه چیز عاشورا را برای ما، در این زمانه، همچنان الهام بخش نگه داشته است؟ پاسخ، نه فقط در تاریخ، بلکه در وحی است؛ در قرآن؛ کتابی که از ابتدای بعثت، معیار شناخت حق و باطل بود و امروز نیز، بدون رجوع به آن، نه می توان دین دار ماند و نه حسینی.

این کتاب تلاشی است برای بازخوانی عاشورا از دریچه آیات قرآن: هر شب یک آیه؛ هر آیه یک زاویه از حقیقت بزرگ



کربلا، نه به عنوان تبرک سخن، بلکه به مثابه چراغی برای فهم عمق حرکت حسین (علیه السلام). ما کوشیده‌ایم از دل آیات، منطق ایستادگی، مقاومت، ایمان، غیرت، جهاد، و حتی اشک را بیرون بکشیم و با مسائل امروز پیوند بزنیم.

این کتاب مجموعه دوازده منبر کوتاه و کاربردی است؛ با زبانی ساده و بی‌تکلف، اما نگاهی ژرف و مسئله‌محور. مخاطب آن کسی است که به دنبال پاسخ است: چرا حسین (علیه السلام)؟ چرا قیام؟ چرا مقاومت؟ و چرا این همه تأکید بر زنده نگه داشتن عاشورا؟ پاسخ ما این است: چون عاشورا یک «چشمه جاری» است برای همه تاریخ که کلید دروازه فهمش در دستان قرآن است.

در هر شب، آیه‌ای را محور قرار داده‌ایم و از خلال آن، یکی از شاخه‌های منطق عاشورا را کاویده‌ایم. در کنار آن، با نگاه به وضعیت امروز جهان اسلام و جامعه‌مان، کوشیده‌ایم پیوندهای روشن‌تری بین متن دین و متن زندگی برقرار کنیم.

این نوشته، نه تنها یک تلاش علمی یا تاریخی، بلکه دعوتی است برای بازگشت به «نگاه قرآنی» در تحلیل حوادث بزرگ دینی. اگر عاشورا را با قرآن بخوانیم، نه فقط می‌گیریم، بلکه می‌فهمیم؛ نه فقط عزادار می‌شویم، که آماده حرکت.



جایگاه تدبر در قرآن

تدبر در قرآن از جمله موضوعاتی است که به صورت مؤکد در قرآن کریم و کلام اهل بیت علیهم السلام بدان سفارش شده است. چهار آیه از قرآن مستقیماً مردم را به تدبر در آیات دعوت، و آن را مسئولیتی همگانی معرفی می‌کنند. همچنین، روایات بسیاری نیز در این زمینه نقل شده است. از مجموع آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام روشن می‌شود که قرائتی که بدون تدبر انجام شود تلاوتی ناقص و ناپسند است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز فرموده‌اند قرائتی که در آن تدبر نباشد ارزشی ندارد: «أَلَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَا تَدَّبَّرَ فِيهَا؛ آگاه باشید که در قرائتی که با تدبر همراه نباشد خیری نیست.» همچنین، در دعایی منسوب به امام صادق علیه السلام در ابتدای تلاوت قرآن آمده است: «اللَّهُمَّ... وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَّبَّرُ فِيهَا، بَلْ اجْعَلْنِي أَتَدَّبِّرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ، أَخِذْ بَشَرَائِعِ دِينِكَ، وَلَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً...؛ بارالها،... تلاوت مرا تلاوتی بدون تدبر قرار مده، بلکه مرا در تدبر آیات و احکام آن یاری فرما و بهره‌مند کن از شریعت دینت...»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گام‌های مثبتی در مسیر قرآنی شدن جامعه برداشته شده و پیشرفت‌های



چشمگیری در زمینه های صوت، لحن، تجوید و حفظ قرآن حاصل شده است. با این حال، در بخش تدبر در مفاهیم قرآن و ایجاد ارتباط عمیق تر مردم با این کتاب الهی هنوز جای کار فراوانی هست.

مقام معظم رهبری نیز بر این نکته تأکید دارند که اگرچه انس با قرآن در جامعه افزایش یافته است، این میزان کافی نیست. ایشان معتقدند همه افراد جامعه باید بتوانند قرآن را بخوانند، بفهمند و در آن تأمل و تدبر کنند؛ چراکه این تدبر است که انسان را به درک حقایق نورانی قرآن می‌رساند. بر همین اساس، لازم است نخبگان قرآنی راهکارهایی بیابند تا امکان تدبر برای عموم مردم فراهم شود. رهبر انقلاب بر لزوم همراهی تلاوت با تفکر تأکید دارند و یکی از موانع مهم در این مسیر را ناآشنایی بسیاری از مردم با زبان قرآن می‌دانند. ایشان پیشنهاد می‌کنند تلاوت قرآن با ترجمه ای تفسیری همراه شود، نه صرفاً ترجمه ای واژه به واژه؛ ترجمه ای که به فهم بهتر مفاهیم کمک کند.

به باور ایشان، لازم است متخصصان قرآنی شیوه ای طراحی کنند تا در محافل تلاوت قرآن، ترجمه نیز به شکل مناسب گنجانده شود. ایشان در این زمینه به تجربه ای از پیش از انقلاب اشاره می‌کنند. در آن جلسات، ابتدا درباره



یک موضوع قرآنی به تفصیل سخن می‌گفتند و سپس قاری آیات مرتبط را تلاوت می‌کرد. این شیوه از نظر ایشان مؤثرتر از آن است که تلاوت در ابتدای جلسه و جدا از موضوع ارائه شود.

در این کتاب، از الگوی پیشنهادی ایشان برای بیان تدبری آیات قرآن استفاده شده است.

زندگی با آیه‌ها

زندگی با آیه‌ها نهضتی است که با همدلی، همراهی، همفکری و مشارکت همه ظرفیت‌های مردمی و حاکمیتی، به دنبال قرآنی شدن جامعه است. این نهضت می‌کوشد آیات منتخب ناظر به موضوعات کاربردی و نیازهای روز جامعه اسلامی را به شکلی متناسب با سن، نیاز و سلیقه عموم مردم به صورت گسترده و مؤثر تبیین کند.

این حرکت الهی، که حدود دو سال از آغاز آن می‌گذرد، تاکنون برکات فراوانی به همراه داشته و توانسته است اقشار گسترده‌ای از جامعه را در فضای معارف قرآن کریم درگیر کند؛ تا جایی که رهبر معظم انقلاب علیه السلام بارها از فعالیت‌های قرآنی انجام‌شده در قالب این نهضت، به‌ویژه در ماه مبارک رمضان، تقدیر کرده‌اند.



از آنجاکه نهضت «زندگی با آیه‌ها» در راستای تبیین معارف زندگی ساز قرآن کریم و عمل به آیه ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكُونُوهُ﴾ (آل عمران، ۱۸۷) در پی بلاغ مبین آیات زندگی ساز قرآن کریم است، طبیعتاً جریان سازی کنشگران قرآنی در این مسیر، اعم از ائمه جماعات مساجد، مبلغان، فعالان فرهنگی، قرآنی و رسانه‌ای، امری بسیار ضروری و ارزشمند به شمار می‌رود. یکی از فرصت‌های بزرگ این جریان قرآنی ایام محرم و مجالس عزای سیدالشهدا علیه السلام است. این کتاب نیز به منظور بهره‌برداری از این فرصت بی نظیر، برای تبیین مؤثر دوازده فراز نورانی قرآن کریم تألیف شده است.

تلاوت تدبری قرآن کریم تلاشی است برای زمینه سازی تلاوت و استماع متدبرانه آیات الهی برای عموم مردم. اجرای کیفی این جلسات با همت قاریان کلام الله، مبلغان، سخنرانان، مجریان جلسات دینی و قرآنی و همه اهل قرآن محقق خواهد شد.

روش استفاده

این نوشتار یک منبع کمکی است و با هدف برگزاری کرسی‌های تلاوت تدبری قرآن کریم در آغاز جلسات



عزاداری ایام محرم تهیه شده است. محتوا بر پایه دوازده قطعه از آیات قرآن کریم تنظیم شده و با تمرکز بر مفهوم «مقاومت» ساختاری منسجم و هدفمند دارد که مخاطب را در مسیر فهم عمیق تر آیات یاری می‌رساند.

برای هر یک از قطعات، توضیحاتی ارائه شده است که با دقت به پیوندهای لفظی و ادبی میان آیات هر قطعه و همچنین ارتباط آن آیات با فضای کلی سوره، استخراج شده‌اند. این توضیحات حاصل نگاهی متدبرانه و ساختارمحور به بافت سوره‌هاست.

از آنجاکه مفاهیم بیان شده ذیل هر قطعه مبتنی بر معانی لغوی آیات و دقت در ساختار صرفی و نحوی آن‌ها و ارتباطات درون سوره‌ای‌اند، فردی که با ادبیات عربی آشنایی، حتی در حد اندک، داشته باشد، به راحتی می‌تواند آن‌ها را با متن آیات تطبیق دهد. از این رو، انتظار می‌رود کسی که عهده دار ارائه این مطالب در محفل تلاوت است سه اقدام مشخص را مد نظر قرار دهد:

۱. پیش از جلسه:

* ابتدا توضیحات مربوط به قطعه تلاوت را با دقت

مطالعه کند؛



* سپس، این توضیحات را با متن آیات تطبیق دهد و

شیوه استنباط آن‌ها را درک کند؛

۲. در حین برنامه:

* لازم است مخاطبان را پیوسته به تطبیق مطالب

ارائه شده با متن قرآن تشویق کند و از ایشان بخواهد

هم‌زمان با ارائه مطالب، آیات را نیز دنبال کنند.

برای اجرای مؤثر این طرح، پیشنهاد می‌شود سخنران

و قاری به صورت هم‌زمان در جایگاه حضور داشته باشند.

سخنران در مقابل حضار و ترجیحاً پشت تریبون قرار گیرد

و قاری، در بالاترین بخش منبر، آماده تلاوت باشد. ابتدا

سخنران در مدتی، حداکثر پنج دقیقه، توضیحات لازم را

ارائه دهد و بلافاصله پس از او، قاری حدود پنج دقیقه به

تلاوت همان قطعه بپردازد.

اگر قاری بتواند لحن و فراز و فرود صوت خود را با معانی

آیات هماهنگ سازد، ان شاء الله تلاوت مؤثرتر واقع خواهد

شد و رضایت الهی بیش از پیش حاصل خواهد آمد.

خط محتوایی

کتاب پیش رو یک روایت پیوسته، جریان ساز و راهبردی از

واقعه عاشورا ارائه می‌دهد که آن را نه به عنوان یک تراژدی



تلخ، بلکه به مثابه آغاز یک مسیر پیروزمندانه تاریخی ترسیم می‌کند. خط محتوایی این اثر بر محور «تحلیل عاشورا به مثابه یک پیروزی راهبردی و امتداد آن در مقاومت اسلامی معاصر» شکل گرفته است. در این کتاب تلاش شده است با الهام از آیات قرآن و استناد به عقلانیت تاریخی، تصویری تازه، دقیق و برخاسته از ایمان از ماجرای عاشورا ارائه شود که نه در غبار حزن و ماتم غرق شود و نه در سطح یک حادثه صرف بماند.

مباحث کتاب از شب اول با بازتعریف پیروزی آغاز می‌شود. مخاطب را دعوت می‌کند تا نگاهی را از ظواهر شکست به عمق پیروزی سوق دهد. در این نگاه، امام حسین (علیه السلام) نه تنها شکست نخورده، بلکه فاتح تاریخ است. این پیروزی نه با شمشیر، که با احیای حقیقت، زنده کردن وجدان‌ها و نجات مسیر دین تحقق یافته است.

سپس، وارد لایه‌ای عمیق‌تر می‌شود؛ هدف امام حسین (علیه السلام) را هم‌راستا با اهداف انبیا (علیهم السلام) معرفی می‌کند؛ رسوا کردن باطل و بیدار ساختن مردم برای قیام ضد ظلم. این بیداری، نه تنها پایه‌های ظلم اموی را لرزاند، بلکه امروز هم در بیداری امت اسلامی در برابر استکبار جهانی امتداد یافته است.



در گام بعدی، بر «عقلانیت مقاومت» تمرکز شده است و در برابر منطق سازش و محاسبات مادی گرایانه، عقلانیت الهی امام حسین علیه السلام را تصویر می‌کند؛ عقلانیتی که بانیروی ایمان، محاسبات مادی را بر هم می‌زند. در این مرحله نشان می‌دهیم که پیروزی همیشه در گرو عدد و تجهیزات نیست. این منطق امروز هم در میدان‌های مقاومت، از فلسطین تا لبنان و ایران، بارها به ثمر نشسته است.

در ادامه، به بُعد تربیتی عاشورا پرداخته می‌شود؛ اینکه چگونه شعار «هیئات منا الذلة» به هویت نسل‌های مقاوم و عزتمند انجامیده و اسلام را از یک دین منفعل به جریانی فعال در برابر سلطه و تحقیر تبدیل کرده است. نسل امروز وارث عزتی است که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا کاشتند. به بیان دیگر، در این گام به روشنی بیان می‌شود که قیام امام حسین علیه السلام تلاشی نافرجام نبود، بلکه مانعی بزرگ در برابر پروژه نابودی اسلام بود. آن‌گاه که یزید می‌خواست حقیقت دین را از درون بیوساند، خون حسین علیه السلام مانع انحراف شد؛ همان‌طور که امروز هم مقاومت اسلامی نقش نگهبان دین و هویت امت را بازی می‌کند.

در بخش‌های بعدی، مباحث وارد عرصه جنگ روانی می‌شود و نشان می‌دهد چگونه دشمن در طول تاریخ،



با ابزار ترس و ارباب، سعی در فلج کردن مؤمنان داشته است؛ اما امام حسین علیه السلام با ایستادگی این پرده دروغین را کنار زدند و امروز نیز مقاومت هیمنه پوشالی دشمنان را فرو ریخته است. این فصل‌ها به نوعی اعتماد به نفس الهی را به مخاطب تزریق می‌کنند.

نقد منطق سازش گام بعدی مباحث است. در این بخش از تجربه تاریخی خیانت‌ها و عهد شکنی‌ها می‌گوییم؛ از سکوت خواص، از محافظه‌کاری‌های سرنوشت‌ساز. عاشورا برای مانده فقط میدان نبرد، که صحنه آزمون عقلانیت و بصیرت سیاسی است. اعتماد به دشمن همواره شکست بار بوده و امروز هم نسخه سازش نسخه خسران است.

سپس، با نگاهی توحیدی، بیان می‌شود که مکر دشمن کاملاً در پازل خدا تعریف می‌شود. در این قسمت درک عمیق از سنت‌های الهی را پیش می‌کشیم که چگونه خدا حتی مکر دشمن را به خدمت مؤمنان درمی‌آورد. باور به اینکه تمام تحریم‌ها، ترورها و توطئه‌ها، اگرچه سخت بوده‌اند، بستر رشد و استحکام جبهه مقاومت شده‌اند، در این فصل روحیه‌ای تازه به خواننده می‌بخشد.

در شب‌های بعد، تمرکز بر مفهوم استقامت به عنوان رمز گشایش و پیروزی نهایی قرار می‌گیرد؛ استقامتی که



نه تنها در عاشورا، بلکه در مسیر ملت‌ها، موتور پیشرفت و برکت شده است. در نهایت، کتاب نگاه را از گذشته به آینده می‌برد. عاشورا را آغاز نهضتی می‌داند که به ظهور حکومت جهانی صالحان ختم خواهد شد؛ مقاومتی که در هر قدمش زمینه‌ساز دولت موعود است.

در آخرین گام، آیات محوری مورد بحث مخاطب را به نقش‌آفرینی دعوت می‌کند؛ از روایت عاشورا، از تجربه شهدا، از عقلانیت مقاومت، حالا نوبت به «وظیفه ما» می‌رسد. کتاب با آیه «وَأَعِدُّوا...» اعلام می‌کند که دوران تماشاگر بودن تمام شده و زمان آماده‌سازی همه‌جانبه فرارسیده است؛ در میدان رسانه، خانواده، علم، فرهنگ، اقتصاد و هرآنچه امت را قوی می‌سازد.

در مجموع، خط محتوایی کتاب یک مسیر از «درک صحیح عاشورا» تا «حضور فعال در تمدن‌سازی» را طی می‌کند. از تصحیح نگاه آغاز می‌شود، به تبیین نقش دشمن و عقلانیت مقاومت می‌پردازد، هویت‌سازی می‌کند، آینده‌نگری دارد و در پایان، مسئولیت می‌آفریند. این یک روایت از عاشورا به مثابه ریشه فکری، ایمانی، سیاسی و تمدنی جریان مقاومت است.



آیات محوری

شب اول

قطعه تلاوت: آیات ۱۳۹ تا ۱۴۱ سوره آل عمران
فراز محوری: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۱۳۹)

پیروز تاریخ

و [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید.

شب دوم

قطعه تلاوت: آیات ۲۵ و ۲۶ سوره حدید
فراز محوری: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...﴾ (۲۵)

رسوا کردن دشمن و بیداری مردم برای قیام علیه ظالم
همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند ...



شب سوم

قطعه تلاوت: آیات ۲۴۹ تا ۲۵۱ سوره بقره

فراز محوری: ﴿... قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَغَمٍّ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾﴾

اثبات عقلانیت مقاومت

ولی کسانی که یقین داشتند که دیدارکننده خدايند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا باشکیبایان است.

شب چهارم

قطعه تلاوت: آیات ۱۳۶ تا ۱۳۹ سوره نساء

فراز محوری: ﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٣٦﴾﴾

تربیت نسل مقاوم و هویتی عزتمند

همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می گیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان می طلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست.



شب پنجم

قطعه تلاوت: آیات ۱۱۸ تا ۱۲۰ سوره بقره

فراز محوری: ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ
مِلَّتَهُمْ...﴾ (۱۲۰)

ناکامی دشمن در نابودی اسلام و ایجاد انحراف بزرگ
یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی شوند تا آنکه از
آیینشان پیروی کنی.

شب ششم

قطعه تلاوت: آیات ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران

فراز محوری: ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ
وَخَافُونِ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۱۷۵)

شکست پروژه جنگ روانی دشمن

در حقیقت این شیطان است که دوستانش را [با شایعه
پراکنی و گفتار وحشت زاء، از رفتن به جهاد] می ترساند؛
پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید و از من بترسید.



شب هفتم

قطعه تلاوت: آیات ۷ تا ۱۲ سوره توبه

فراز محوری: ﴿... فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ
يَنْتَهُونَ ۝۱۲﴾

بی‌اعتمادی عاقلانه (نقد منطق سازش)

در این صورت با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را [نسبت
به پیمان هایشان] هیچ تعهدی نیست، باشد که [از طعنه
زدن و پیمان شکنی] بازایستند.

شب هشتم

قطعه تلاوت: آیات ۵۲ تا ۵۵ سوره آل عمران

فراز محوری: ﴿وَمَكْرُوا مَكَرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ۝۵۵﴾

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد

و کافران نیرنگ زدند، و خدا هم جزای نیرنگشان را داد؛ و
خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ زندگان است.



شب نهم

قطعه تلاوت: آیات ۱۶ تا ۲۱ سوره جن
فراز محوری: ﴿وَأَنْتَ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً
 غَدَقًا ۝﴾

استقامت رمز پیروزی
 و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را
 از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد

شب دهم

قطعه تلاوت: آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران
فراز محوری: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ
 عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ
 لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝﴾

پیام امیدبخش شهدا

هرگز خیال نکن کسانی که در راه خدا شهید شده‌اند،
 مرده‌اند! بلکه زنده‌اند و در حضور خدا به آنان روزی
 مخصوص می‌دهند. از پاداشی که خدا از سرِ بزرگواری به
 آنان داده است، خوشحال‌اند و به کسانی که از پی ایشانند
 و هنوز به آنان نپیوسته‌اند مژده دهند که از مرگ نترسند و
 غمی برایشان نیست.



شب یازدهم

قطعه تلاوت: آیات ۱ تا ۶ سوره قصص

فراز محوری: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ ﴿۱﴾

قیامی که به پیروزی نهایی منجر می شود

و ما می خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت های بارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت ها و سرزمین های فرعونیان] گردانیم.

شب دوازدهم

قطعه تلاوت: آیات ۵۵ تا ۶۰ سوره انفال

فراز محوری: ﴿وَأَعِذُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ...﴾ ﴿۵۵﴾

وظیفه ما چیست؟

و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان و رزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید.



شب اول

پیروز تاریخ

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۱۳۹) إِنْ يَمَسُّكُمْ فَزَعٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَزَعٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۱۴۰﴾ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿۱۴۱﴾

(آل عمران، ۱۳۹-۱۴۱)

«و[در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن]
سستی نکنید و[از پیشامدها و حوادث و سختی‌هایی
که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر
مؤمن باشید، برترید (۱۳۹). اگر [در جنگ احد] به
شما آسیب و جراحتی رسید، آن گروه را نیز [در جنگ
بدر] آسیب و جراحتی مانند آن رسید، و ما این روزها
[ی پیروزی و ناکامی] را [به عنوان امتحان] در میان



محتوای مخصوص
محفل خودت را
اینجا بساز.



مردم می‌گردانیم [تا عبرت گیرند] و خدا کسانی را که [از روی حقیقت و خلوص] ایمان آورده‌اند مشخص کند و از میان شما گواهانی [برای پیروزی‌ها، که نتیجه طاعت و تقواست، و شکست‌ها، که محصول نافرمانی و بی‌تقوایی است]، بگیرد؛ و خدا استمکاران را [که با سستی و بی‌تقوایی بر خود ستم می‌کنند] دوست ندارد (۱۴۰) و [نیز این پیروزی‌ها و ناکامی‌ها] برای آن است که کسانی را که [از روی حقیقت] ایمان آورده‌اند [از عیوب و آلودگی‌ها] تصفیه و پاک کند و کافران را نابود کند (۱۴۱)».

توضیح تدبیری آیات

نخستین گام این است که تصویر درست از عاشورا در ذهنمان بسازیم. امام حسین علیه السلام پیروز میدان تاریخ شدند؛ چون حقیقت را زنده کردند، مسیر اسلام را نجات دادند و راه امت اسلامی را گشودند. اگر نگاهمان درست شود، عاشورا را نه حادثه شکست، بلکه واقعه پیروزی می‌بینیم. امام حسین علیه السلام پیروز تاریخ شدند؛ نه با محاسبه نقطه‌ای، بلکه در مقیاس فرایندی و تاریخی. همان‌گونه که قرآن پس از جنگ احد مؤمنان را از تحلیل نقطه‌ای و احساس



شکست بر حذر داشت، امروز هم باید عاشورا را درست تحلیل کرد. نه یک حادثه تراژیک، بلکه یک پیروزی راهبردی. برتری با جبهه ایمان است، ولو در مقطعی زخمی باشد. اگر ایمان داشته باشیم، همیشه از همه برتریم. این وعده الهی است. پیروزی در عاشورا آغاز شد و تا امروز در مسیر مقاومت امتداد یافته است.

شرح آیات ۱۳۹ تا ۱۴۱ سوره آل عمران

خدای متعال را شاکریم که بار دیگر به ما توفیق تنفس در فضای پر معرفت محرم را عنایت کرد. برای بهره بردن بیشتر از فضای مجالس حسینی، در کنار این اشک‌ها و ابراز ارادت‌ها، همیشه باید بکوشیم تا اندیشه ما به اندیشه ناب مکتب سیدالشهدا علیه السلام نزدیک تر شود. امسال می‌خواهیم با استمداد از آیات نورانی قرآن به مکتب حسینی تقرب پیدا کنیم؛ زیرا باور داریم که قیام کربلا انقلاب و قیام قرآنی است. در ابتدا با یک پرسش مهم وارد بحث می‌شوم؛ پرسشی که پاسخ درست به آن مسیر معرفتی ما را در این ماه روشن خواهد کرد. وقتی به صحنه روز دهم محرم در سال ۶۱ هجری قمری نگاه می‌کنیم، چه می‌بینیم؟ آیا چیزی جز کشته شدن و مظلومیت و اسارت به چشم می‌آید؟ آیا



چیزی جز خنده دشمنان و گریه اهل بیت علیهم السلام می بینیم؟ طبیعتاً پاسخ منفی است. اما سؤال این است که با وجود این تصویر، آیا قیام سیدالشهدا علیه السلام میدان شکست بود یا صحنه پیروزی؟ آیا امام حسین علیه السلام، مظلومانه و تنها، مغلوب قدرت یزید شدند؟ یا آنچه در کربلا رخ داد، در باطن خود، پیروزی ای بزرگ و ماندگار بود؟

اکنون به محضر قرآن می رویم تا پاسخی عمیق به این پرسش دهیم. پاسخ به این سؤال، وابسته به نوع نگاه ماست. اگر نگاهمان محدود به ظاهر صحنه باشد، ممکن است نتیجه ای ناامیدکننده بگیریم. اما اگر نگاهمان قرآنی باشد، افقی تازه و روشن گشوده می شود.

قرآن کریم به ما می آموزد که برای فهم درست هر واقعه ای باید زاویه نگاهمان را تغییر دهیم و از تحلیل های سطحی و کوتاه مدت فاصله بگیریم.

قرآن کریم در آیاتی از سوره آل عمران به ماجرای جنگ احد اشاره می کند؛ نبردی که در سال سوم هجری روی داد و در آن مسلمانان یک شکست تلخ و خسارت بار را تجربه کردند؛ خسارتی که شهادت حمزه سیدالشهدا علیه السلام یک مورد آن است. در این نبرد، مسلمانان به خاطر حب دنیا و طمع غنائم، از فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله سرپیچی کردند و نتیجه اش راهم



دیدند؛ دشمن از پشت به سپاه اسلام حمله کرد؛ تا جایی که قرآن فرمود: ﴿اَدْ تَصْعِدُونَ وَلَا تُلَوْنَّ عَلَىٰ اَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِيْ اُخْرَاكُمْ﴾ (آل عمران، ۱۵۳)؛ یعنی مسلمانان، جز عده‌ای اندک، آن چنان از میدان گریختند که حتی به عقب خویش نگاه نمی‌کردند، درحالی‌که پیامبر آنان را از پشت سر صدا می‌زدند. اما خداوند متعال در همین صحنه غم بار و پرخسارت، نگاهی امیدبخش را به سپاه اسلام تزریق می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا﴾؛ سستی نکنید؛ ﴿وَلَا تَحْزَنُوا﴾؛ ناراحت نباشید. طبیعی است که در این صحنه‌ای که همه نشانه‌ها دلالت بر شکست دارد، عده‌ای ناامید و نگران شوند؛ اما خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران، ۱۳۹)؛ شما اگر ایمان داشته باشید، برترید. آنچه سبب برتر بودن شما می‌شود پیروزی‌های مقطعی نیست؛ ایمان و حرکت در جریان حق است که پیروزی و سعادت حقیقی است.

این بیان امیدوارانه خداوند صرفاً کلامی برای آرام کردن مؤمنان نیست، بلکه بر پایه یک واقعیت استوار است. چیزی که منطق شکست‌محور را شکل می‌دهد تمرکز افراطی بر کمبودهاست؛ اما خداوند در ادامه همان آیات، این منطق را اصلاح می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ



قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ، وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران، ۱۴۰)؛ یعنی اگر زخمی خورده‌اید، دشمن نیز همان رنج را کشیده است. این روزها در گردش است. عزیزان من، این فرازونشیب‌ها همیشه در تاریخ بوده است. درباره این جدال دائمی جبهه حق و باطل امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ لِلْحَقِّ دَوْلَةً وَلِلْبَاطِلِ دَوْلَةٌ»^۱. این فرازونشیب‌ها نباید ما را در تحلیل و فهم حقیقت جریان حق دچار اشتباه کند. خداوند متعال در ادامه همین آیه می‌فرماید هدف این فرازونشیب‌ها و این «تداول ایام» آزمودن شماست: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ» (آل عمران، ۱۴۰). خداوند می‌خواهد در این امتحانات اهل ایمان مشخص شوند: «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۱). در دل همین امتحانات است که مؤمن حقیقی رشد می‌کند و همین ابتلائاتی که به ظاهر تلخ است بستری برای نابودی کافران است.

البته شیاطین انس و جن همواره در تلاش بوده‌اند تا با ابزار رسانه روایتی مایوس‌کننده از فرازونشیب‌های زندگی ارائه دهند تا امت اسلام را به سستی و یأس بکشانند تا مقاومت

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۴۷.



آنان را بشکنند، اما ما باید به منطق قرآن متکی باشیم که فرمود:
 ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران، ۱۳۹)؛ شما اگر
 ایمان داشته باشید، برترید.

حال با این منطق بار دیگر به روز دهم محرم سال ۶۱
 هجری نگاه کنید. آیا قیام سیدالشهدا علیه السلام میدان شکست
 بود یا صحنه پیروزی؟ اگر نگاهمان مقطعی باشد و تنها
 به عدد اندک یاران، تشنگی خیمه‌گاه، پیکرهای بی جان و
 مظلومیت اهل بیت علیهم السلام باشد، عاشورا شکستی تلخ خواهد
 بود؛ اما اگر از منظر قرآن و در مقیاس فرایندی و تاریخی نگاه
 کنیم، خواهیم دید که امام حسین علیه السلام والاترین پیروزی تاریخ
 بشر را رقم زد؛ پیروزی‌ای که با ایمان، بیداری و ایستادگی به
 دست آمد. عاشورا به ما آموخت که اگر راهمان حق باشد،
 حتی با اندک یار، می‌توان ایستاد؛ همان‌گونه که امروز مردم
 فلسطین و یمن، در میان محاصره و درد، با همین منطق
 پیروزمندانه ایستاده‌اند. منطق قرآنی قیام کربلا «قاعده
 پیروزی مؤمنان» است که خداوند در قرآن وعده داده است:
 ﴿نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (صف، ۱۳).





شب دوم

رسوا کردن دشمن و بیداری مردم برای قیام ضد ظالم

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ
النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ
وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ وَلَقَدْ
أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ
مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾﴾ (حدید، ۲۵-۲۶)

«همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم
و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل]
نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند، و آهن را، که
در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی
است، فرود آوردیم و تا خدا مشخص بدارد چه
کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری





می دهند. یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است (۲۵). به یقین ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو نفر، نبوت و کتاب قرار دادیم. پس، برخی از آنان هدایت یافتند و بسیاری از آنان نافرمان بودند (۲۶).»

توضیح تدبیری آیات

هدف عاشورا بیدار کردن وجدان های خفته و قیام مردمی برای عدالت بود. امام حسین علیه السلام با خون خود نقاب از چهره بنی امیه برداشتند و توانستند این بیداری را در تاریخ ایجاد کنند. اولین اثرش هم سست شدن پایه های حکومت ظالم بنی امیه بود. امروز هم مقاومت اسلامی با ایستادگی و مظلومیت خود چهره تمدن وحشی غرب را برای جهانیان آشکار، و غرب را رسوا کرده است. فریاد مظلومان سلاح برای رسوا کردن ستمگران است. این مقاومت است که دانشجویان آمریکایی و مردم اروپا را به میدان آورده است تا بر ضد اسرائیل فریاد بزنند. این یعنی عاشورا به هدف خود رسیده و مقاومت پیروز است.

شرح آیه ۲۵ سوره حدید

امشب شب دوم محرم است؛ شبی که باید دعا کنیم جان‌های ما نیز حقیقتاً با کاروانی که در این روز به کربلا وارد شد همراه شود. اما همراهی حقیقی در چیست؟ روشن است که همراهی حقیقی ما با سیدالشهدا علیه السلام وابسته به همراهی با هدف مقدس قیام کربلاست.

اما هدف قیام کربلا چه بود؟ امشب نیز در محضر قرآن کریم می‌نشینیم تا گوشه‌ای دیگر از قیام قرآنی سیدالشهدا علیه السلام را نظاره‌گر باشیم.

خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: **﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ﴾**؛ «پیامبران را با ادله روشن فرستادیم و کتاب و میزان را با آنان نازل کردیم»؛ یعنی هم راهنمای مسیر و هم ابزار سنجش حق و ناحق را دادیم. این بخش اول آیه است که فرایند ارسال رسولان الهی را می‌گوید. اما هدف ارسال رسولان چیست؟ **﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾**؛ «هدف آن است که "مردم" به قسط برخیزند»؛ نه فقط اهل دین، نه فقط خواص، بلکه همه مردم. این قیام مسئولیتی است همگانی. وقتی کتاب و میزان داده می‌شود، یعنی معیار حق و باطل روشن است. اما اگر مردم بی‌توجه باشند، اگر فقط ناظر باشند و در برابر ظلم و کجی



سکوت کنند، فلسفه رسالت بی اثر می شود. به عبارت دیگر، اگر کسی پیام رسولان الهی را بشنود و به آن مؤمن باشد، نتیجه آن ایمان می شود «قیام بالقسط». پس، در آیه دیگری در سوره نساء خداوند می فرماید: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ»** (نساء، ۱۳۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، قیام کنندگان به قسط باشید». قیام و ایمان با هم گره خورده اند. قیام به عدالت وظیفه ای ایمانی است. سپس، در ادامه آیه می فرماید: **«وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ»** (حدید، ۲۵).

چرا آهن؟ چون قیام بالقسط کار آسانی نیست؛ دشمن دارد، مانع دارد. حدید یعنی «آهن». تقریباً همه تفاسیر و روایات حدید را به معنای ابزار نبرد و قدرت گرفته اند. در نتیجه، قسط بدون قدرت محقق نمی شود. عدالت، بدون بازدارندگی، برقرار نمی ماند.

حال به ادامه آیه توجه کنید که می تواند وظیفه ما را در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه مشخص کند. تا اینجا مشخص شد هدف ارسال رسولان الهی و انزال کتاب و میزان، قیام مردم است. حال به ادامه آیه ۲۵ سوره حدید توجه کنیم که می تواند وظیفه ما را در دوران غیبت امام زمان عج مشخص کند. خداوند متعال در ادامه ی این آیه

غایت فرایند ارسال رسل را بیان می کند؛ یعنی اساساً چرا خداوند دستور به قیام بالقسط داده است؟ آن هم به مردم؟ ﴿وَلْيَعْلَمْ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ﴾ (حدید، ۲۵).

خداوند می خواهد مشخص کند که چه کسی خدا و رسولانش را در دوره غیبت^۱ یاری می کند. خداوند که نیازی به کمک مردم ندارد: ﴿إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾، بلکه اگر چنین دستوری داده برای آن است که میزان صدق ایمان سنجیده شود. هدف آن است که حرکت عمومی مردم برای مبارزه با ظلم و ایجاد عدالت شکل بگیرد. این آیه با ظرافت تمام وظیفه ما در دوران غیبت را هم مشخص می کند. ما اکنون در دوره ﴿بِالْغَيْبِ﴾ هستیم. وظیفه ما همین قیام بالقسط است.

حال به کربلای سال ۶۱ بازگردیم. امام حسین علیه السلام خود را وارث همین خط پیامبران می دیدند. سکوت در برابر ظلم را خیانت به قرآن می دانستند. پس، قیام کردند تا جامعه ای را که به ظاهر دین دار بود، ولی در باطن از عدالت تهی شده بود، بیدار کنند. امام حسین علیه السلام به میدان آمدند تا همین

۱. در اینجا دو نوع تفسیر می توان کرد: یا بالغیب متعلق به رسول است (یعنی رسولی که در غیبت است (ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان)) یا متعلق به نصرت (یعنی نصرت از روی اخلاص (ر.ک: محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب)).



«قیام عمومی برای عدالت» را در تاریخ زنده کنند. عاشورا فقط یک نبرد نبود؛ یک افشاگری بزرگ بود. امام آمدند تا «مردم» را مخاطب قرار دهند؛ نه برای اینکه فقط گریه کنند، بلکه برای اینکه برخیزند و یک جریان فکری و عملی ضد ظلم راه بیندازند. قیام عاشورا حرکتی برای «قیام قسط» بود. روح قیام عاشورا نیز همین «بیداری» است که امروزه نشانه‌های آن را می‌توان در مناطق مختلف جهان دید: در غزه، مردمی که در محاصره‌اند، اما تسلیم نشده‌اند؛ در یمن، مردمی که زیر شدیدترین فشارها ایستاده‌اند؛ و حتی در دانشگاه‌های آمریکا، دانشجویانی که با فریاد «آتش بس» حقیقت را به جهان یادآور می‌شوند. همه این‌ها طنین فریادی است که روز دهم محرم سال ۶۱ از کربلا بلند شد و فرمود: «مثلی لا یبایع مثله»^۱.

حالا ما باید از خودمان پرسیم: سهم ما در این قیام چیست؟ اگر امام آمده‌اند تا ما بیدار شویم، اگر عاشورا ندایی است برای عدالت، ما کجای این میدان ایستاده‌ایم؟ آیا فقط نظاره‌گریم؟ فقط اشک می‌ریزیم؟ یا دلمان برای عدالت می‌تپد؟ آیا حرف می‌زنیم وقتی باید فریاد بزنیم؟ آیا افشا می‌کنیم چهره ظلم را یا سکوت می‌کنیم؟ عاشورا

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵.



به ما یاد می دهد که وظیفه ما فقط گریه نیست؛ روشنگری هم هست؛ تبیین هم هست؛ دفاع از مظلوم هم هست؛ افشاگری هم هست؛ و البته این ها بدون هزینه نیستند. همان طور که امام حسین علیه السلام هزینه دادند، یارانشان هزینه دادند، امروز هم مقاومت هزینه دارد. ولی همان طور که عاشورا ماند، راه امروز هم می ماند.

امشب، شب دوم محرم، شب تصمیم است؛ شبی است که باید از اشک به فهم برسیم؛ از سوگ به بیداری؛ از نشستن در مجلس به حرکت تا آن گاه با کاروان شب دوم محرم همراه شویم.





شب سوم

اثبات عقلانیت مقاومت

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَضْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ يَأْذِنُ اللَّهُ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾﴾ (بقره، ۲۴۹-۲۵۱)

«پس، زمانی که طالوت با سپاهیان [برای جنگ با دشمن از شهر] بیرون رفت، گفت: بی تردید، خدا شما را به وسیله





نهر آبی آزمایش می‌کند. پس، هر که [به هنگام تشنگی] از آن [سیر] بنوشد از من نیست و هر که از آن نخورد از من است، مگر کسی که با دستش کفی آب بگیرد [که او نه از من است و نه مردود از سپاه]. پس، جز اندکی از آنان همگی از آن نوشیدند؛ و زمانی که او و کسانی که با او ایمان آورده بودند از نهر گذشتند، [گروهی از آنان] گفتند: ما را امروز قدرت مقابله با جالوت و سپاهیان نیست؛ ولی کسانی که یقین داشتند که دیدارکننده خداوند گفتند: چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا با شکیبایان است (۲۴۹)؛ و چون [طالوت و اهل ایمان] برای جنگ با جالوت و سپاهیان ظاهر شدند، گفتند: پروردگارا، بر ما صبر و شکیبایی فروریز و گام‌هایمان را استوار ساز و ما را بر گروه کافران پیروز گردان (۲۵۰). پس، آنان را به توفیق خدا شکست دادند و داوود (جوان مؤمن نیرومندی که در سپاه طالوت بود) جالوت را کشت، و خدا او را فرمانروایی و حکمت داد، و از آنچه می‌خواست به او آموخت؛ و اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرامی‌گرفت؛ ولی خدا برای جهانیان دارای فضل و احسان است (۲۵۱).»



توضیح تدبری آیات

مقابل جریان «ما نمی‌توانیم»، که وقتی مقابل دشمن می‌رسند دچار خطای محاسبات می‌شوند، جریانی هست که اتفاقاً در یک محاسبه بسیار دقیق و حساب شده می‌گویند: «ما می‌توانیم». عاشورا در ظاهر نبردی نابرابر بود: یک سو ۷۲ نفر، سوی دیگر هزاران شمشیر و نیزه. اما امام حسین علیه السلام ثابت کردند که پیروزی در عدد و تجهیزات نیست. وقتی در محاسبات، ابرقدرت را در نظر بگیری و روی قدرت و یاری قطعی و حتمی او حساب کنی، توان اندک تو ضریبدر توان بی‌نهایت خدا می‌شود.

چه منطق مستحکمی دارد این مقاومت. همین منطق امروز در فلسطین، لبنان، یمن و ایران بارها تکرار شده است: مقاومت، با دست‌های خالی، هیمنه دشمن را فرو ریخته و تالیه پرتگاه نابودی کشانده است.

شرح آیات ۲۴۶ تا ۲۵۱ سوره بقره

در شب سوم ماه محرم، شبی که به یاد دُرْدانه سیدالشهدا علیه السلام اشک می‌ریزیم، دعا کنیم که خداوند، به برکت این اشک‌ها، ما را با منطق قیام عاشورا آشنا کند و زندگی ما را با روح قیام عاشورا که همان «مقاومت» و «قیام» است، رنگ‌ورو بخشد.



اگر منطق مقاومت در جان ما نقش ببندد، پیروزی ما حتمی است. این دقیقاً برخلاف آن نگاهی است که گمان می‌کند مقاومت فقط هزینه دارد. خیر! مقاومت برآمده از یک منطق عقلانی است.

بگذارید همین جا سؤالی را مطرح کنم و سپس برای پاسخ پای منبر قرآن بنشینیم. آیا امام حسین علیه السلام با تصمیمی عاطفی و بی‌پشتوانه وارد میدان شدند؟ یا پشت این قیام، یک محاسبه عمیق عقلانی وجود داشت؟ به عبارت دیگر، آیا مقاومت اقدامی احساسی و هیجانی است یا تصمیمی عقلانی و مبتنی بر منطق و محاسبه دقیق؟

برای پاسخ، به آیاتی از سوره بقره که به داستان طالوت و جالوت می‌پردازد اشاره می‌کنیم. در آیه ۲۴۶ بقره، خداوند متعال ماجرای توبه عملی جمعی از بنی اسرائیل را بیان می‌کند؛ نه توبه از ترک نماز و روزه، بلکه توبه از ترک جهاد: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَآئِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ أَتَبْعُكَ لَنَآ مَلِكًا نُّقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (بقره، ۲۴۶).

آن‌ها نزد پیامبرشان رفتند و فرماندهی برای جهاد خواستند تا در راه خدا بجنگند. خداوند نیز طالوت را به فرماندهی آنان منصوب کرد: ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾ (بقره، ۲۴۷).



سپس، سپاه طالوت به حرکت درآمد. اما در میانه راه، خداوند آنان را امتحان کرد: «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» (بقره، ۲۴۹). امتحان این بود: با وجود تشنگی شدید، از آب نهر ننوشند یا بسیار اندک بنوشند. بسیاری نتوانستند از این آزمون عبور کنند و از همراهی با طالوت بازماندند. تنها گروه اندکی، اهل ایمان و صبر، ماندند: «فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ» (بقره، ۲۴۹). در این لحظه حساس، لحظه رویارویی با سپاه عظیم جالوت، که تعداد سپاه طالوت به شدت کاهش یافته بود، خداوند منطق مبارزه را از زبان مؤمنان باقی مانده این گونه بیان می کند: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۲۴۹)؛ یعنی پیروزی نه در عدد و تجهیزات، بلکه در ایمان، صبر و اتکا به نصرت الهی است. این یک اصل کلیدی در همه نبردهای حق و باطل است. امام حسین علیه السلام نیز دقیقاً براساس همین منطق قیام کردند. ۷۲ نفر در برابر هزاران؛ اما با عقلانیت و محاسبه الهی. در منطق عاشورا، ایمان ضربدر نصرت خدا، مساوی با غلبه بر دشمن است.

همان طور که رهبر انقلاب نیز بارها تأکید کرده اند،



مقاومت «عقلانیت محض» است؛ عقلانیتی که بر نصرت الهی تکیه دارد، نه بر محاسبات ظاهری.

دقت کنید یک لحظه خودتان را به جای سپاهیان طالوت تصور کنید. به نظر می‌رسد وقتی شما می‌خواهید به جنگ بروید، باید سیراب باشید. منطقی به نظر می‌رسد که آب بخورید. آب نخوردن و تشنه بودن در حین نبرد عقلانی نیست. انسان تشنه که نمی‌تواند بجنگد؛ ولی دقیقاً مسئله همین است. آنان که براساس محاسبات دنیایی خود عمل می‌کنند جا می‌مانند و آن‌ها که در هر شرایطی به خدا و دستور او ایمان دارند و از آن اطاعت می‌کنند پیروز می‌شوند. عقلانیت واقعی یعنی همین که بی‌هیچ چون‌وچرایی، دستور خداوند را اطاعت کنیم.

در ادامه ماجرای نبرد طالوت هم، نتیجه این منطق بیان می‌شود: ﴿قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا مَبْرَأً وَنَبِّئْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، فَهَزَمُوهُمْ يَا ذُنُوبَ اللَّهِ﴾ (بقره، ۲۵۰-۲۵۱).

خوب در این آیه دقت کنیم. عناصر اصلی پیروزی سپاه طالوت سه چیز است:

اول، صبر و استقامت در مقابل سختی‌ها؛

دوم، ثبات قدم، یعنی اراده و عزم جدی برای پیمودن

مسیر حق؛

سوم، تکیه و اعتماد به نصرت الهی.

نتیجه‌اش هم می‌شود پیروزی: ﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾. جالب آن است که این پیروزی به ساده‌ترین شکل ممکن رقم خورد: نوجوانی به نام داوود، که بعداً پیامبر خدا نیز شد، با یک سنگ جالوت را از پا درآورد و سپاه جالوت زمین‌گیر شد. این است نصرت خدا: ﴿وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ﴾ (بقره، ۲۵۱).

چرا منطق مقاومت عقلانی است؟ چون متکی به وعده حق الهی است؛ متکی به قادر مطلق عالم است. امروز هم برخی جریان‌ها تلاش می‌کنند مقاومت را بی منطق نشان دهند. جریان «سازش» و «ما نمی‌توانیم» وقتی قدرت دشمن را مطلق می‌بیند عقب‌نشینی را راه حل معرفی می‌کند. درحالی‌که این یک خطای محاسباتی جدی است. قرآن می‌گوید: ﴿إِنْ يَكُ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ﴾ (انفال، ۶۵)؛ یعنی قدرت مؤمن صابر چند برابر می‌شود و بر دشمن می‌چربد. تجربه‌های تاریخی نیز این را نشان داده‌اند. در فلسطین، مردم با دستان خالی هیمنه ارتش اشغالگر را شکسته‌اند. در یمن، مردم محاصره‌شده، با نعلین‌های پاره‌پاره، دشمن را زمین‌گیر کرده‌اند. در همین ایران خودمان، با وجود تحریم‌ها، پیشرفت‌های خیره‌کننده



علمی و نظامی حاصل شده است. این‌ها نمونه‌هایی از عقلانیت مقاومت است. عقلانیت مقاومت در این است که به جای ترس از ابرقدرت‌های ظاهری دنیا، به ابرقدرت واقعی عالم، یعنی خداوند تکیه کنیم. اگر ما حسینی هستیم، باید این منطق را بپذیریم. در برابر ظلم، در دفاع از مظلوم، در ساختن کشور، در عرصه فرهنگ و علم، نباید مرعوب دشمن شویم. با صبر، ثبات و توکل، می‌توان با دست‌های خالی، اما دل‌های پر، کوه‌ها را جابه‌جا کرد. خداوند ان شاء الله منطق عقلانی مقاومت را در جان ما و جامعه ما محکم‌تر سازد.



شب چهارم

تربیت نسل مقاوم و هویتی عزتمند

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ
وَالْكِتَابِ الَّذِي أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ (١٣٦) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا
ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا
لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ﴿١٣٧﴾ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣٨﴾ الَّذِينَ
يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُوا عَنْ عَدُوِّهِمْ الْعِزَّةَ
فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٣٩﴾﴾ (نساء، ۱۳۶-۱۳۹)

«ای اهل ایمان، به خدا و پیامبرش و کتابی که
بر پیامبرش نازل کرده و به کتابی که پیش از این
فرستاده [از روی صدق و حقیقت] ایمان بیاورید؛
و هر که به خدا و فرشتگان و کتاب های آسمانی و
پیامبران او و روز قیامت کافر شود یقیناً به گمراهی





دورود رازی دچار شده است (۱۳۶). کسانی که ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، باز ایمان آوردند، و بار دیگر کافر شدند، آن‌گاه بر کفر خود افزودند. خدا بر آن نیست که آنان را بیامرزد و به راهی هدایت کند (۱۳۷). منافقان را بشارت ده که عذابی دردناک برای آنان است (۱۳۸)؛ همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می‌گیرند. آیا عزت و قدرت را نزد آنان می‌طلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست (۱۳۹).»

توضیح تدبیری آیات

امام حسین علیه السلام شعار «هیهات ممّا الذلّة» را در تاریخ ثبت کردند و تشیع را به هویت مقاومت و عزت پیوند زدند و مسیر تربیت نسلی با عزت را پایه‌ریزی کردند. امروز هم مقاومت نسلی تازه از جوانان مقاوم، مؤمن و مبارز تربیت کرده که مانع پیشبرد نقشه‌های شیطانی استکبار در منطقه شده‌اند؛ نسلی که فهمیده‌اند عزت در بندگی خداست، نه در زانو زدن مقابل دشمن؛ نسلی که زیر پرچم نهضت عاشورا به یک هویت شکست‌ناپذیر و منسجم رسیده‌اند؛ به یک جمع و جبهه تبدیل شده‌اند. آنچه امروز دشمن از

آن می ترسد فقط موشک نیست؛ جبهه سازی امت اسلامی
با تکیه بر تربیت نسلی مؤمن، آگاه، باعزت و پیوسته است.

شرح آیات ۱۳۷ تا ۱۳۹ سوره نساء

در شب چهارم ماه محرم هستیم و خدای متعال به ما توفیق
داده است در پرتو آیات نورانی قرآن، گام به گام کاروان امام
حسین (علیه السلام)، این کاروان عزت و مقاومت را همراهی می کنیم.
در شب های محرم و در مجالس عزای سیدالشهدا (علیه السلام) این
فهم باید برای تک تک ما ایجاد شود که ما و تمام تاریخ سر
سفره دستاوردهای قیام عاشورا نشسته ایم.

بگذارید امشب درباره یکی از دستاوردهای بزرگ
عاشورا سخن بگوییم؛ دستاوردی که در این یک سال اخیر
و در ماجرای نبرد مبارک طوفان الاقصی مشاهده کردیم.
در این صحنه باشکوه بارها نسلی مقاوم و هویتی عزتمند
را دیدیم. قطعاً داشته های گروه مقاومت کوچکی مانند
جریان حماس و گردان های عزالدین قسام موشک و سلاح
نیست، بلکه آن نسل مقاوم و عزتمندی است که با دست
خالی در مقابل صهیونیست خون خوار و جنایت کار، این
سگ هار آمریکا در منطقه، می ایستد و سر خم نمی کند.
عزت یکی از دستاوردهای مهم قیام عاشورا است.



پیش از آنکه به آیات محوری امشب بپردازم نکته‌ای را عرض کنم. عزیزان من، عزت به معنای شکست‌ناپذیری است، نه قلدری. آنچه فرعونیان زمانه، یعنی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی، دارند عزت نیست، بلکه استکبار است، و استکبار صفتی شیطانی است؛ چنان‌که قرآن درباره ابلیس می‌فرماید: «فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره، ۳۴).

مؤمن عزیز است، اما مستکبر نیست. پس، اگر ما در پی عزت هستیم، درحقیقت به دنبال قدرتی شکست‌ناپذیریم؛ قدرتی که نگذارد کسی به ما زور بگوید یا به ما ظلم کند، که این قدرت اگر در مسیر حق باشد، ثمره‌اش می‌شود استقلال. دستاورد قیام عاشورا عزت به این معناست.

خب، اکنون بنشینیم پای قرآن و آیات سوره نساء را ملاحظه کنیم تا گم‌شده امشبمان را در این آیات بیابیم. خداوند در آیات ۱۳۸ و ۱۳۹ سوره نساء می‌فرماید: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ، أَيْبَتُغُونَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ؟ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا».

چند نکته درباره این آیات باید عرض کنم: اول آنکه خداوند متعال در این آیه یک منطق را تخطئه می‌کند.



کدام منطق؟ منطق منافقانی که برای کسب عزت به کفار تکیه می‌کنند؛ یعنی کسانی که به جای مؤمنان، به کفار تکیه می‌کنند و از آنان عزت می‌طلبند. آن‌ها انتظار دارند که با تکیه به کفار به عزت برسند، اما برخلاف تصورشان، چیزی جز عذاب دردناک در انتظارشان نیست.

نکته دیگر در این آیه خود منافقان است. درواقع، خداوند متعال در این آیه یکی از ویژگی‌های برجسته منافقان را برای ما روشن می‌کند. قرآن با صراحت می‌فرماید: منافق کسی است که برای کسب عزت، چشم به جریان کفر و استکبار دارد. نکته درخور توجه دیگر این است که در نگاه قرآن منافقان با این منطق حقیقتاً در جریان کفر حرکت می‌کنند. نگاهی به آیه قبل بیندازیم: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا﴾ (نساء، ۱۳۷). این‌ها کسانی‌اند که ظاهر اسلامی دارند، در جامعه اسلامی حضور دارند، اما حقیقتشان گرایش به کفر است. چرا؟ چون دل خود را به دشمن سپرده و سرنوشت خود و جامعه‌شان را به کفار گره زده‌اند.

عزیزان من، این آیات برای جامعه ما زنده است. خداوند می‌فرماید این منافقانی که با کفار حشر و نشر دارند



عین همان کفارند و از آنان جدا نیستند. حتی در آیه ۱۴۰ همین سوره خداوند می‌فرماید منافق و کافر یک کاسه‌اند و در جهنم هم با هم عذاب می‌شوند: **﴿إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾** (نساء، ۱۴۰).

منطق ذلت و منطق تکیه به کافر همان خطی است که امام حسین علیه السلام در کربلا در برابر آن ایستادند. ایشان حاضر نشدند در ازای امنیت یا موقعیت، با باطل کنار بیایند. فرمودند: **«إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا»**! از آن روز تاکنون، عاشورا مکتب عزت شد؛ مکتبی که به ما آموخت اگر عزت را از خدا بجویی، شکست ناپذیری، اما اگر به دنبال عزت نزد مستکبران باشی، عملاً در جبهه کفر ایستاده‌ای؛ حتی اگر تسبیح در دست داشته باشی و زبانت به ظاهر ذکر بگوید.

ما اگر به دنبال عزت هستیم، باید بدانیم که نسخه قرآن برای عزت اعتصام مؤمنان است. یک بار دیگر به آیه محوری امشب توجه کنید: **﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾**. خداوند در این آیه منافقان را به سبب تکیه به کفار توبیخ می‌کند و می‌فرماید چرا برای عزت به سراغ مؤمنان نرفتید؟ **﴿مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾**؛ چرا زیر چتر ولایت کفر

می روید و چرا ولایت ایمانی را انتخاب نمی کنید؟ راه عزت پیوند با مؤمنان است.

در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، خداوند می فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾؛ یعنی همه با هم، به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید. این نسخه عزت است، برخلاف منافقان، که با بریدن از مؤمنان و امت، به اردوگاه کفار پناه می برند. پس، انسجام و اعتصام، نه تنها عامل پیشرفت، بلکه پادزهر جریان نفاق است.

دستآورد بزرگ عاشورا عزت مؤمنانه است. باید بدانیم که قوت امت اسلامی جوانان مؤمن، آگاه و مقاوم است؛ جوانانی که در مدرسه، دانشگاه، جهاد تبیین، و در سنگر علم، فرهنگ و رسانه، با همان روحیه عزتمند عاشورایی ایستاده اند.

دستآورد بزرگ عاشورا این است که اگر دنبال عزت هستید، به منشأ حقیقی عزت تکیه کنید: ﴿فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾؛ همانا عزت فقط در دست خداست.





شب پنجم

۵۹

ناکامی دشمن در نابودی اسلام و ایجاد انحراف بزرگ

﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾ وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنْ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾﴾ (بقره، ۱۱۸-۱۲۰)

«و کسانی که نادان و ناآگاه‌اند گفتند: چرا خدا با ما

سخن نمی‌گوید یا نشانه و معجزه‌ای برای ما نمی‌آید؟

گذشتگان آنان نیز مانند گفته ایشان را گفتند.

دل‌هایشان [در تعصب، لجاجت، عناد و نادانی]

شبهه هم است. تحقیقاً ما [به اندازه لازم] نشانه‌ها





را برای اهل باور بیان کرده ایم (۱۱۸). قطعاً ما تو را به درستی و راستی بشارت دهنده و بیم رسان فرستادیم، و تو [بعد از ابلاغ پیام حق] مسئول [ایمان نیاوردن و وضع و حال] دوزخیان نیستی (۱۱۹). یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی شوند تا آنکه از آیینشان پیروی کنی. بگو مسلماً هدایت خدا فقط هدایت [واقعی] است؛ و اگر پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده است از هواوهوس های آنان پیروی کنی، از سوی خدا هیچ سرپرست و یآوری برای تو نخواهد بود (۱۲۰).»

توضیح تدبیری آیات

دشمن جریان حق در طول تاریخ بسیار سرسختانه به دنبال نابودی کامل دین حق است و به کمتر از آن راضی نخواهد شد. یزید نیز نماد نابودی اسلام حقیقی بود. امام حسین (علیه السلام) با قیام خود جلو منکری بزرگ را گرفتند. امروز هم اگر مقاومت نبود، اسلام را در جهان کاملاً تحریف کرده بودند. حفظ قرآن و اسلام مدیون روح مقاومت است.

شرح آیات ۱۱۸ تا ۱۲۰ سوره بقره

آنچه در این شب ها تاکنون با استمداد از آیات قرآن بیان



کردیم این بود که قیام سیدالشهدا علیه السلام مقاومت پیروزمندانه و عزتمند بود؛ حرکتی که برآمده از عقلانیت بود و برای همین است که امروزه نیز طنین آن فریاد بیداری بخش را در جای جای دنیا می شنویم.

امشب نیز در امتداد مباحث گذشته به این سؤال خواهیم پرداخت که اولاً مقاومت چه ضرورتی دارد؟ اگر مقاومت نبود، چه می شد؟ ثانیاً این مقاومت تا چه زمانی باید ادامه داشته باشد؟ آیا امکان دارد زمانی برسد که دشمنان دست از دشمنی خویش بردارند؟

با این سؤالات بار دیگر به محضر قرآن پناه می بریم و آیات سوره بقره را مرور می کنیم. خداوند متعال در آیه ۱۱۸ سوره بقره به مجموعه ای از بهانه های جریان کفر اشاره می کند: «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ».

آن ها بهانه می آورند که چرا خداوند خودش با آنان صحبت نمی کند یا نشانه خاصی که آنان بخواهند برایشان نمی آورد. روشن است که این ها بهانه است برای ایمان نیاوردن. سپس، در آیه بعد، خداوند به پیامبرش می فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (بقره، ۱۱۹)؛ تو تنها باید بشارت و انذار بدهی. اما ای رسول ما، مراقب باش که تحت تأثیر این بهانه ها قرار نگیری. اینجاست که خداوند در آیه ۱۲۰ سوره بقره



می فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»؛
یهودیان و مسیحیان هرگز از تو راضی نخواهند شد، مگر
اینکه دین خودت را رها کنی و تابع آیین آن ها شوی.

یهود و نصاری در این آیه، درواقع، مصادیق دشمنان
مستکبر زمان صدر اسلام اند. اگر بخواهیم مصادیق این آیه
را در زمان حاضر بیان کنیم، یهود و نصاری همان آمریکا،
انگلیس، اسرائیل و سایر بازیگران جریان استکبارند.

نکته دیگر در این آیه آن است که تعبیر «لَنْ» یعنی هرگز.
پس، اگر گمان می کنید با امتیاز دادن، بالبخند دیپلماتیک،
با مذاکره و تساهل می توانید رضایت دشمنان دین را جلب
کنید، بدانید هرگز چنین رضایتی به دست نمی آید. چرا؟ چون
هدف دشمن فقط سلطه سیاسی یا اقتصادی نیست، بلکه
تحریف دین است: «حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ». می خواهند عقاید ما را
عوض کنند و ایمان ما را بشکنند. به بیان ساده تر، می خواهند
ما را محو و نابود کنند. قرآن در آیه هشت سوره صف صریح تر
می فرماید: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرُ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْكَافِرُونَ»؛ دشمن می خواهد نور خدا را با دهان خاموش کند.
یعنی با سخن، با دروغ، با تحریف، با فریب، با رسانه می خواهد
جلو جریان حق بایستد. اما خدا نور خود را کامل خواهد کرد،
حتی اگر کافران ناراضی باشند.



حال به ادامه آیه ۱۲۰، که آیه محوری امشب است، دقت کنید: ﴿قُلْ إِنْ هُدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾. خداوند می‌فرماید: ای رسول ما، مراقب باش از خواسته‌های آنان تبعیت نکنی. اگر برای ایمان آوردن بهانه آوردند، دنبال تحقق خواسته‌های واهی آنان نباش. این‌ها ابداً قصد ایمان ندارند. تنها قصد آنان این است که در دین حق انحراف ایجاد کنند. هدایت حقیقی همان چیزی است که ما به تو گفته‌ایم: ﴿قُلْ إِنْ هُدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ﴾.

خب، این مجموعه آیات چه چیزی را اثبات می‌کند؟ اولاً اثبات می‌کند که دشمنی دشمن هیچ‌گاه پایان نخواهد یافت؛ ثانیاً دشمن اگر خواسته‌ای دارد، دنبال خواسته‌های او حرکت نکنید که منجر به انحراف از مسیر حق خواهد شد. بگذارید یک مثال ساده بزنم: انرژی هسته‌ای برای ما یک حق مسلم است که ضرورت آن را مثلاً در زمینه تولید برق این روزها بیشتر احساس می‌کنیم. از سوی دیگر، طبق فتوای مقام معظم رهبری، دنبال سلاح هسته‌ای نبوده‌ایم و نیستیم. دشمن هم این را می‌داند و گزارش بازرسان آژانس انرژی هسته‌ای نیز این را مکرراً تأیید کرده است. ولی چندین سال است که این را بهانه کرده‌اند برای فشار، تهدید و تحریم. خب، ما چه کنیم؟



اگر با خواسته‌های دشمن همراه شویم و فناوری صلح‌آمیز خودمان را تعطیل کنیم، می‌شود همان «اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ»؛ یعنی انحراف، یعنی دوری از خط مقاومت. اما منطق قرآن این نیست. این آیات به روشنی وظیفه ما را تبیین و ثابت می‌کنند که در مقابل دشمن بهانه‌تراش، دشمنی که هیچ‌گاه دست از دشمنی برنخواهد داشت، تنها گزینه روی میز امت اسلام مقاومت همیشه‌گی است. این مقاومت است که تمام نقشه‌های دشمن را نقش بر آب می‌کند: «وَإِنْ نَصَبُوا وَتَقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (آل عمران، ۱۲۰).

ما اگر واقعاً پیرو و عزادار حسین بن علی علیه السلام هستیم، باید باور کنیم که تنها راه ما راه مقاومت است. اگر حسین علیه السلام مقاومت نمی‌کردند، چیزی جز پوسته‌ای از اسلام باقی نمی‌ماند. این مقاومت بود که چهره طاغوتی مانند یزید را رسوا کرد. این مقاومت بود که فریاد توحید را تا ابد در تاریخ ثبت کرد. البته بهای سنگین این مقاومت خون مقدس سیدالشهدا علیه السلام بود. شاید اگر مردم کوفه این فهم را داشتند، آن خون مقدس این چنین بر زمین نمی‌ریخت. عزیزان من، امروز هم، دشمن چیزی جز نابودی ما را نمی‌خواهد. اگر ما گزینه‌ای جز مقاومت داشته باشیم، شیاطین و فرعونیان زمان نه تنها آخرت ما را، بلکه دنیای ما را هم تباه خواهند کرد.

شب نشیم

شکست پروژہ جنگ روانی دشمن

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَى اللَّهِ وَفَضَّلَ اللَّهُ مَن يَشَاءُ لِمَن يَشَاءُ لَمْ يَتَسَنَّهْ سُوًّا وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَهُ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾﴾ (آل عمران، ١٧٢-١٧٥)

«برای نیکوکاران و تقواییشان از کسانی که خدا و رسول را پس از آنکه زخم و جراحت به آنان رسیده بود [برای جنگی دیگر پس از جنگ احد] اجابت کردند پاداشی بزرگ است (۱۷۲)؛ همان کسانی که مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: لشکری انبوه از مردم [مکه] برای جنگ با شما گرد





آمده‌اند. از آنان بترسید. ولی [این تهدید] برایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است، و او نیکو وکیل و [نیکوکارگزاری] است (۱۷۳). پس، با نعمت و بخششی از سوی خدا [از میدان جنگ] بازگشتند، درحالی که هیچ گزند و آسیبی به آنان نرسیده بود، و از خشنودی خدا پیروی کردند؛ و خدا دارای فضلی بزرگ است (۱۷۴). درحقیقت، این شیطان است که دوستانش را [با شایعه پراکنی و گفتار وحشت‌زا از رفتن به جهاد] می‌ترساند. پس، اگر مؤمن هستید، از آنان نترسید و از من بترسید (۱۷۵).»

توضیح تدبیری آیات

این راهبرد همیشگی‌شان است: می‌خواهند با ایجاد ترس، روحیه مقاومت را تضعیف کنند. امام حسین علیه السلام نشان دادند دشمن هرچند در ظاهر قدرتمند باشد، باطل و پوشالی است. امروز هم مقاومت ثابت کرده که هیمنه پوشالی استکبار شکستنی است. آمدن حق نابودی حتمی باطل را در پی دارد. پس، نباید ترسید و باید استقامت به خرج داد.

شرح آیات ۱۶۵ تا ۱۷۵ سوره آل عمران

خدا را شاکریم که در شب ششم محرم بار دیگر توفیق یافتیم پای سفره گسترده قرآن و عترت بنشینیم و درس‌های عاشورا را با استمداد از آیات قرآن مرور کنیم. امشب شبی است که معمولاً در همه جلسات، یاد نوجوان رشید امام مجتبی (علیه السلام) زنده می‌شود. با این مقدمه، این سؤال را مطرح می‌کنم: این روحیه شجاعت، رشادت و نترسیدن از دشمن در کسی مانند قاسم بن الحسن از کجا نشئت می‌گیرد؟ و در مقابل، چرا گروهی از هیاهوی دشمن می‌ترسند و میدان را خالی می‌کنند؟

برای پاسخ به این سؤالات، بار دیگر به آیاتی از سوره آل عمران و ماجرای جنگ احد اشاره می‌کنیم. خداوند متعال در آیات ۱۶۵ تا ۱۷۵ این سوره ابعاد مختلفی از این واقعه را تحلیل می‌کند. برخی از مسلمانان پس از آن اتفاق ناگوار و متحمل شدن خسارت‌های سنگین، مانند شهادت حضرت حمزه (علیه السلام)، دچار تردید در ایمان شدند و پرسیدند: اگر ما برحق هستیم، چرا این شکست برای ما پیش آمد؟ «قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا» (آل عمران، ۱۶۵).

خداوند در پاسخ می‌فرماید: «قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ»؛ بگو این خسارت‌ها نتیجه عمل خود شماست که بر اثر



سستی در جنگ، نافرمانی از پیامبر، نزاع و اختلاف، بر شما وارد شد.

البته همین شرایط بستری شد برای امتحان مؤمنان و منافقان: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَيَا ذُنَّ اللَّهِ وَلْيَعْلَمْ الْمُؤْمِنِينَ * وَلْيَعْلَمْ الَّذِينَ نَافَقُوا﴾ (آل عمران، ۱۶۶-۱۶۷). اما چه امتحانی؟

در همین بستر، چهره نفاق روشن شد. در ماجرای نبرد احد، عده‌ای در داخل مدینه، سپاه اسلام را از رویارویی با سپاه مشرکان می‌ترساندند و می‌گفتند: ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ﴾ (آل عمران، ۱۷۳)؛ از دشمن بترسید؛ از این همه امکانات و قدرت‌های او بترسید. اما مؤمن واقعی از این امکانات پوشالی نمی‌ترسد، بلکه - به تعبیر قرآن - با دیدن این لشکر پرحجم دشمن، ایمانش بیشتر هم می‌شود: ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ، فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران، ۱۷۳).

با این مقدمه‌ای که از آیات سوره آل عمران بیان شد، حال به آیه محوری امشب توجه کنیم. خداوند متعال در آیه ۱۷۵ این سوره از یک عملیات شیطانی پرده‌برداری می‌کند: عملیات ترساندن. می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ، فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران، ۱۷۵). این شیطان است که می‌خواهد با ایجاد ترس در دل‌ها



شما را از میدان بیرون ببرد. این دشمن است که از طریق عوامل خود، از طریق جنگ روانی، از طریق شایعه، از طریق تصویرسازی قدرت، دل‌ها را می‌لرزاند: ﴿يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾. او یاران خود را می‌ترساند. کسانی که دلشان با شیطان است زود می‌ترسند؛ مانند منافقان؛ و بدتر از آن، سعی می‌کنند مؤمنان را هم بترسانند: ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ﴾. ترساندن سلاح شیطان است؛ نه ترسی فطری، بلکه ترسی تزریق شده، ساختگی که از طریق بزرگ‌نمایی قدرت باطل ایجاد می‌شود. دشمنان دین همیشه خواسته‌اند مؤمنان را از هیبت خالی‌شان بترسانند.

اینجاست که خداوند می‌فرماید: نباید از دشمن ترسید؛ نباید تحت تأثیر عملیات روانی او قرار گرفت. اگر قرار است از کسی بترسید، باید از قدرت لایزال خداوند بترسید: ﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران، ۱۷۵).

مؤمن تنها از خدا می‌ترسد. مؤمن می‌داند که راهبرد شیاطین ایجاد ترس است. در ماجرای کربلا هم یکی از عوامل مهمی که باعث شد مردم کوفه امام خود را رها کنند همین ترس بود. در تاریخ آمده است که عبیدالله بن زیاد آنان را از سپاه یزید ترساند؛ سپاهی که اساساً وجود نداشت. امروز نیز دشمن از همان مسیر وارد شده است: از طریق



رسانه، از طریق جنگ اقتصادی، از طریق عملیات روانی سعی می‌کند ملت‌ها را بترساند، دل‌ها را خالی کند، امید را خاموش سازد. اما مؤمن واقعی، آن کسی که تابع مکتب سیدالشهدا علیه السلام است، همان است که قرآن او را ستایش می‌کند: ﴿قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران، ۱۷۳).

مؤمن نمی‌ترسد، چون پشتوانه‌اش خداست؛ همان خدایی که با یک پشه، نمرودها را از پا درمی‌آورد.

این فهم قرآنی به ما کمک می‌کند که نقشه دشمنان را از پیش تشخیص دهیم. وقتی نقشه دشمن را زودتر متوجه شویم، آن نیرنگ و فریب هر قدر هم بزرگ باشد، دیگر اثری نخواهد داشت. به همین دلیل، بارها رهبر انقلاب نیز یادآور شده‌اند که اگر مسئولان و مردم به خدا اعتماد داشته باشند، از هیبت دشمن نخواهند لرزید. گاهی شرایط کشور به گونه‌ای است که فشارها از همه سو زیاد می‌شود، صدای تهدید دشمن بلند می‌شود و برخی‌ها دچار ترس می‌شوند؛ اما ولیّ خدا، با نگاهی قرآنی، همیشه مسیر را روشن کرده است. اگر نترسیم، خداوند راه را باز می‌کند. اما اگر پای ترس را به تصمیمات و انتخاب‌هایمان باز کردیم، باید منتظر خسارت باشیم؛ خسارت‌های اعتقادی، خسارت‌های مادی و.... مثلاً اگر به سبب ترس از تهدیدات آمریکا و

اسرائیل دست از مقاومت و فریاد حق طلبی برداریم، نه تنها در آخرت، بلکه در همین دنیا نیز خسران خواهیم دید.

بیاییم امشب منطق عقلانی قرآن را باور کنیم؛ باور کنیم که جریان استکبار سست تر از آن چیزی است که رسانه ها به تصویر می کشند: ﴿وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ﴾ (عنکبوت، ۴۱)؛ باور کنیم که ﴿فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً﴾ (رعد، ۱۷)؛ باور کنیم که باطل کف روی آب است و ناگهان فرومی ریزد. باور کنیم که باطل شجره ای خبیثه و پوچ است که ﴿اجْتُنِثَتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾ (ابراهیم، ۲۶)؛ همچون تنه درختی است که از ریشه کنده شده است و هیچ استقراری ندارد. پس، ترسی هم ندارد.





شب هفتم

بی‌اعتمادی عاقلانه (نقد منطق سازش)

﴿كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ
عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾ كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً
يُرْضَوْنَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨﴾ اسْتَرَوْا
بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
﴿٩﴾ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾ فَإِنْ تَابُوا
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ
فَقَاتِلُوا أَلَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴿١٢﴾﴾ (توبه، ۷-۱۲)

«چگونه مشرکان را نزد خدا و پیامبرش پیمانی [استوار]

تواند بود [در صورتی که همواره پیمان شکنی می‌کنند] مگر

کسانی که با آنان در کنار مسجد الحرام پیمان بسته‌اید.





پس، تا زمانی که [به پیمانشان] با شما پایداری کنند، شما هم به پیمانتان با آنان پایداری کنید؛ زیرا خدا پرهیزکاران را دوست دارد (۷). چگونه [مشرکان بر پیمان خود پایبندند]؟ و در صورتی که اگر بر شما چیره شوند، نه [پیوند] خویشاوندی را در حق شما رعایت می‌کنند، نه پیمانی را. شما را با زبانشان خشنود می‌کنند، ولی دل‌هایشان [از خشنود کردن شما] امتناع دارد و بیشترشان فاسق‌اند (۸). آیات خدا را در برابر بهایی اندک فروختند و مردم را از راه خدا بازداشتند. راستی، چه بد است آنچه را همواره انجام می‌دادند (۹). در حق هیچ مؤمنی رعایت [پیوند] خویشاوندی و پیمانی را نمی‌کنند؛ و آنان همان تجاوزکاران‌اند (۱۰). پس، اگر [از پیمان شکنی، قطع رحم، کفر و شرک] توبه کنند و نماز را بر پا دارند و زکات بپردازند، برادران دینی شمايند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که [واقعیات را] می‌دانند به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم (۱۱) و اگر پیمان‌هایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعنه و عیب‌جویی گشودند، با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را [به پیمان‌هایشان] هیچ تعهدی نیست؛ باشد که [از طعنه زدن و پیمان شکنی] بازایستند (۱۲).»

توضیح تدبری آیات

امام حسین علیه السلام نشان دادند که اعتماد به دشمنِ عهدشکن عین بی عقلی است. خداوند صریح می فرماید که با این دشمنان عهدشکن باید مقابله کرد، نه سازش. امروز هم کسانی که از مقاومت عقب نشینی کرده اند چیزی به دست نیاورده اند. ﴿حَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ﴾ دقیق ترین توصیف آن هاست. آن هایی که به جای وفاداری به مسیر حق، به سمت ظالمان دست دراز کرده اند نه عزت دارند، نه امنیت، نه آینده.

عاشورا فقط میدان جنگ نبود؛ میدان آزمایش خواص هم بود. بسیاری از خواص نه با یزید همراه شدند، نه با حسین، بلکه در تردید ماندند و به خیال خود با سکوت، عقل ورزی کردند؛ اما همین تردید خیانت تاریخی شد. کسانی که امروز هم دچار محاسبه های نفسانی و محافظه کاری اند، ادامه همان خواص ساکت اند که راه را بر باطل باز می کنند.

آنان که دست از مقاومت برداشته اند گاو شیرده غرب شده اند. عزت و پیروزی در وفاداری به مسیر حق است، نه در التماس به ظالمان. این منطق بی اعتمادی عاقلانه است، نه بی اعتمادی احساسی، بلکه بی اعتمادی



ریشه دار در قرآن، عاشورا و تجربه تاریخ. تکیه بر دشمنان و قدرت های پوشالی مانند تکیه بر خانه عنکبوت است: بی ثبات و بی فایده.

شرح آیات ۱ تا ۱۲ سوره توبه

شب هفتم ماه محرم است؛ شبی که طبق نقل ها آب را روی خاندان عترت بستند. در بسیاری از مجالس در چنین شبی یاد کودک شیرخواره سیدالشهدا علیه السلام زنده می شود؛ کودکی که با زبان بی زبانی افشاکننده منطق کفر است؛ کودکی که با مظلومیت خود شاهدهی است بر بی رحمی دشمن و حجتی است برای ما که چنین دشمنی ابداً قابل اعتماد نیست. همان منطقی که در کربلا به طفل شیرخواره رحم نکرد امروز هم در غزه و یمن، با نوزادان همان رفتار را تکرار می کند. آیا چنین منطقی قابل اعتماد است؟ آیا با چنین دشمنی می توان کنار آمد؟

امشب نیز با استمداد از آیات نورانی قرآن، پاسخ پرسش های خودمان را جست وجو می کنیم و برای این منظور در محضر سوره توبه می نشینیم.

سوره توبه مربوط به پس از فتح مکه است؛ آنجایی که اسلام در سراسر حجاز سیطره یافته است و خداوند متعال

دستور می دهد که دیگر جایی برای کفر علنی وجود ندارد: ﴿بِرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (توبه، ۱).

از این پس، یعنی پس از تمام شدن مهلت مقرر، اگر کفر بخواهد علنی اظهار وجود کند، به شدت با آن برخورد خواهد شد: ﴿فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ﴾ (توبه، ۵).

خب، چرا این آیات را برای امشب انتخاب کرده ایم؛ چون در ادامه این آیات خداوند از منطقی سخن می گوید که پاسخ پرسش های ما در توجه به آن منطبق است. در این شرایط، ممکن است بعضی بگویند که برخی از این کفار با مسلمانان و پیامبر خود عهد و پیمانی بسته اند. اولاً خداوند متعال می فرماید اگر کسی از مشرکان برای فهم کلام الهی از شما مهلت خواست، به او مهلت بدهید: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (توبه، ۶)؛ ثانیاً اگر آن ها واقعاً در عمل به تعهدات پایبند باشند، شما هم به همان اندازه و نه بیشتر پایبند باشید: ﴿فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ﴾ (توبه، ۷).

اما با وجود این نکات، خداوند متعال در چند آیه



مبنای اصلی در تعامل با جریان کفر را بیان می‌کند. مبنای اصلی آن است که این جبهه باطل اساساً به تعهداتش وفادار نیست: **«كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ»** (توبه، ۷). کافی است اندکی قدرت پیدا کنند، آن‌گاه به شدت ضد شما وارد عمل خواهند شد: **«كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً... لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ»** (توبه، ۸ و ۱۰).

اگر می‌بینید که در ظاهر اظهار صلح می‌کنند، از دو حالت خارج نیست: یا فعلاً قدرت‌ش را ندارند یا اینکه می‌خواهند شما را فریب بدهند. در هر حال، دنبال آن‌اند که با زبان نه با دل، شما را راضی نگه دارند: **«يَرْضَوْنَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْفَرُهُمْ فَاسِقُونَ»** (توبه، ۸).

خب، تکلیف امت اسلامی در مقابل چنین منطقی که همیشه عهدشکن است چیست؟ اینجا به آیه محوری امشب می‌رسیم که خداوند به صراحت می‌فرماید: **«وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرَانِهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ»** (توبه، ۱۲). اگر عهد شکستند و دوباره به همان شیوه سابق، شیوه مقابله با دین، پرداختند، با تمام قدرت با سران کفر مقاتله کنید. چرا؟ چون آن‌ها اساساً عهد و پیمان را رعایت نمی‌کنند.



عزیزان من، این آیه اساس منطق مقاومت است؛ مقاومت نه از سر تعصب، نه از روی احساس، بلکه به حکم عقل. وقتی دشمن دشمنی است که وفادار نیست، مقاومت و مبارزه تنها گزینه عقلانی امت اسلام خواهد بود. توجه داشته باشید که خداوند از دشمنان اسلام با تعبیر «أَئِمَّةَ الْكُفْرِ» یاد کرده است؛ این‌ها امامان گمراهی و بدبختی‌اند. همه فسادها و تباهی‌های اقتصادی، فرهنگی و... زیر سر این‌هاست؛ فراعنه مستکبری که امروزه مصداقشان می‌شود همین آمریکا، انگلیس و اسرائیل. این‌ها به کدام عهد خود وفا کرده‌اند؟ در ماجرای برجام، که تقریباً به هیچ موردی از تعهداتشان عمل نکردند و از آن یک طرفه خارج شدند. در ماجرای اوکراین، به هیچ‌یک از تعهدات خود درباره دوستانشان هم عمل نکردند. در تعهدات مربوط به افغانستان، عراق، لیبی و... نیز همین‌طور بود؛ جز خسارت برای ملت‌ها به بار نیاوردند. دلیل بی‌اعتمادی ما همین تجربه است. این بی‌اعتمادی عقلانی است، و درحقیقت، اعتماد به چنین دشمنی عاقلانه نیست.

گاهی برخی دل‌سوزانه می‌پرسند: آیا مذاکره به نحو مطلق ممنوع است؟ خیر. اولاً قرآن ما را از ارتباط با دیگران



منع نکرده است. در سوره ممتحنه می فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه، ۸). با کسانی که بر سر دین و اعتقادات ما با ما دشمنی ندارند می توانیم ارتباط داشته باشیم، آن هم ارتباط براساس عدل و قسط دوطرفه. اما در همان سوره می فرماید: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ» (ممتحنه، ۹). ما با دشمن دین چگونه می توانیم کنار بیاییم؟ عزیزان، دین داری ما براساس منطق و حکمت است. ما مخالف مذاکره به صورت مطلق نیستیم؛ اما مذاکره با کسی که بشود به او اعتماد کرد، مذاکره ای که از سر عزت باشد، نه مذاکره ای تحقیرآمیز و تحت تهدید. قرآن منطق دارد؛ حسین علیه السلام نیز منطق دارد: مذاکره اگر براساس عزت، قدرت و احترام متقابل باشد، شرافتمندانه است. اما اگر دشمن شرط مذاکره را زمین گذاشتن سلاح مقاومت بگذارد، این نه مذاکره، که تسلیم است. قرآن کریم نیت پنهان دشمن را افشا می کند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً» (نساء، ۱۰۲). کافران آرزو دارند که شما از سلاح و آمادگی خود غافل شوید تا ناگهان حمله ای کوبنده کنند. عزیزان من، ببینید:

این کلام قرآن برای ۱۴۰۰ سال پیش نیست. قرآن زنده است و برای امروز ما نسخه‌ای واقعی و منطقی ارائه می‌دهد. کسی که از این منطق پیروی نکند ﴿خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ﴾ خواهد بود.

خدا ان شاء الله به ما لطف کند تا در این شب‌های عزای سیدالشهدا (علیه السلام) با منطق مقاومت بیشتر آشنا شویم و از کسانی نباشیم که از مقاومت دست کشیده و دل به پیمان‌های کفار بسته‌اند، که این مسیر، مسیر خواص بی بصیرت کربلاست.







شب هشتم

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد

﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ
الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾ رَبَّنَا
آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكْرُؤًا
وَمَكْرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٥٤﴾﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
وَرَأْفِعَكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرَكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ
فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾﴾ (آل عمران، ۵۲-۵۵)

«زمانی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت:
[برای اقامه دین و سلوک و حرکت] کیان‌اند یاران من
به سوی خدا؟ حواریون گفتند: ما یاران خدایم. به
خدا ایمان آوردیم و گواه باش که ما در برابر خدا [و
فرمان‌ها و احکام او] تسلیم هستیم (۵۲). پروردگارا،





به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از این پیامبر پیروی کردیم. پس، ما را در زمره گواهان [که پیامبران تواند] بنویس (۵۳)؛ و [کافران از بنی اسرائیل درباره عیسی و آیینش] نیرنگ زدند، و خدا هم جزای نیرنگشان را داد؛ و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ زندگان است (۵۴). [یاد کنید] هنگامی که خدا فرمود: ای عیسی، من تو را [از روی زمین و از میان مردم] برمی گیرم و به سوی خود بالا می برم، و از بودن در میان اجتماع آلوده کافران پاک می کنم، و آنان را که از تو پیروی کردند تا روز قیامت برتر از کسانی که کافر شدند قرار می دهم. سپس، بازگشت شما به سوی من است، و در میان شما در آنچه با هم اختلاف داشتید [به حق و عدالت] داوری می کنم (۵۵).»

توضیح تدبیری آیات

امام حسین علیه السلام در برابر مکر یزید خود را نباختند؛ چون به نقشه بزرگ تر خدا اعتماد داشتند. دشمن گمان می کرد با کشتن حسین علیه السلام همه چیز را تمام می کند، اما خدا از همان واقعه، عاشورا را به آغاز بیداری جهانی تبدیل کرد. امروز هم دشمنان اسلام هرچه توطئه کرده اند، خواسته یا



ناخواسته، ملت ما را بیدارتر، جبهه مقاومت را گسترده‌تر، و چهره‌شان را رسواتر کرده‌اند. این همان معنای «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ» است. اگر مؤمن باشیم، یقین داریم که هیچ نقشه دشمن از اراده خدا بیرون نیست. حتی پروژه‌های جنگ روانی، تحریم، ترور و تهاجم فرهنگی، در نهایت ما را قوی‌تر کرده‌اند. در مکتب مقاومت، دشمن گاهی ندانسته خدمت می‌کند.

شرح آیات ۵۴ و ۵۵ سوره بقره

خدای متعال به ما توفیق داده است تا در این شب‌ها از پنجره چشم‌نواز قرآن به قیام قرآنی کربلا نگاه کنیم؛ قیامی که گرچه ظاهراً ختم به شهادت و اسارت شد، درحقیقت یک پیروزی تاریخی بود و تمام توطئه‌های دشمنان دین را نقش بر آب کرد.

توطئه‌های دشمن گاهی آن‌چنان پیچیده و فراوان می‌شود که برخی مؤمنان به تزلزل می‌افتند. در تاریخ صدر اسلام، در میدان نبرد بدر، وقتی خطر به اوج رسید، اضطراب بر دل برخی نشست. قرآن می‌فرماید: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال، ۹).



حال این سؤال پیش می‌آید: چگونه می‌توان در برابر توطئه‌ها ایستادگی کرد و از راه حق منحرف نشد؟ با چه منطقی می‌توان در برابر فشارهای دشمن آرام ماند و به راه خود ادامه داد؟ پاسخ را باید در منطق قرآن جست‌وجو کرد؛ آنجا که می‌فرماید: **﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾** (آل عمران، ۵۴).

این آیه در سوره آل عمران، در میان داستان توطئه کفار بنی‌اسرائیل ضد حضرت عیسی علیه السلام است که تلاش داشتند پیامبر خدا را به شهادت برسانند؛ اما خداوند متعال تمام نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرد و همان کسی که زمینه قتل پیامبر خدا را فراهم کرده بود، خودش کشته شد و خداوند هم پیامبرش را به آسمان‌ها برد: **﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِي مَرْيَمَ اذْهَبْ بِرُوحِي فِيهَا وَاصْبِرْ لِحُكْمِ اللَّهِ وَارْأُفْعَكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرَكُم مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾** (آل عمران، ۵۵).

اما آیه محوری امشب (آیه ۵۴ آل عمران) تنها یک روایت تاریخی از ماجرای حضرت عیسی علیه السلام نیست، بلکه یک قاعده مستمر و قطعی در سنت‌های الهی است. آن قاعده این است که دشمنان نقشه می‌کشند، اما خدا نیز برنامه دارد، و تدبیر خدا همیشه غالب است: **﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ﴾** (یوسف، ۲۱).



دشمنان در هر دوره‌ای نقشه‌های خود را می‌کشند، اما خداوند همیشه تدبیر بالاتری دارد. هیچ نقشه‌ای نمی‌تواند در برابر اراده خداوند ایستادگی کند. نکته جالب توجه آن است که خداوند تدبیر خود را از دل همان مکر و حيله دشمن بیرون می‌آورد. به عبارت دیگر، نقشه و مکر دشمن کاملاً در پازل خداوند جای دارد.

بیایید چند نمونه قرآنی دیگر را با هم بررسی کنیم. یکی از این نمونه‌ها داستان حضرت موسی علیه السلام است. زمانی که فرعون دستور داد همه پسران بنی اسرائیل کشته شوند، مادر موسی نگران جان فرزندش بود. خداوند به او الهام کرد که موسی علیه السلام را در صندوقی بگذارد و به نیل بسپارد. این اقدام به ظاهر خطرناک، درواقع، تنها راه نجات موسی علیه السلام بود. تدبیر خداوند به گونه‌ای بود که موسی علیه السلام در قصر فرعون پرورش یابد و روزی همان فرعون را شکست دهند: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ قَالَتْ فِي الْبَيْتِ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (قصص، ۷)؛ ﴿أَنِ افْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَافْذِفِيهِ فِي الْبَيْتِ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّمِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي﴾ (طه، ۳۹)

خداوند در این آیات بیان می‌کند که چگونه نقشه



فرعون برای نابودی کودکی که قرار است حکومتش را نابود کند تبدیل به راهکاری برای حفظ موسی علیه السلام شد. اقدام فرعون بود که سبب شد مادر موسی علیه السلام ایشان را داخل صندوقچه‌ای بگذارد و داخل آب رها کند. به عبارت دیگر، نقشه فرعون بخشی از نقشه خدا برای حفظ جان موسی علیه السلام و رشد ایشان در دوره شدت و سختی بنی اسرائیل بود.

نمونه دیگر داستان یوسف علیه السلام است. خداوند متعال در قالب رؤیای صادقه به یوسف علیه السلام نشان داد که روزی به عزت خواهند رسید: ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ (یوسف، ۴). در مقابل، برادران یوسف علیه السلام که به ایشان حسادت کرده بودند ایشان را به داخل چاه انداختند: ﴿قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقُوَّةُ فِي عَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ﴾ (یوسف، ۱۰). در ابتدا، آنان تصور می‌کردند با انداختن ایشان در چاه از شر یوسف علیه السلام خلاص خواهند شد، اما خداوند از همان شرایط سخت راه نجات پیامبر را فراهم کرد و ایشان را به مقام وزارت در مصر رساند. این نمونه‌ها به ما می‌آموزد که تدبیر خداوند فوق همه تدابیر است.

نمونه سوم در قرآن ماجرای نجات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از دست مشرکان مکه است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَمْكُرُ

بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ
وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٣٠﴾ (انفال، ۳۰).

مشركان می خواستند با کشتن پیامبر ﷺ اسلام را نابود کنند، اما همین نقشه و مکر زمینه ساز هجرت ایشان به مدینه و پایه گذاری حکومت اسلامی در آنجا شد.

در ماجرای عاشورا نیز همین منطق جریان دارد. در ظاهر، یزید توانسته است سیدالشهدا (علیه السلام) را از سر راه بردارد، اما تدبیر خداوند آن است که همین خون مبارک نماد عزت و مقاومت برای همه تاریخ و بشر شود؛ به طوری که حتی کسانی مانند گاندی از آن الهام می گیرند.

امروز هم دشمنان اسلام از ابزارهای مختلفی استفاده می کنند، از جمله جنگ روانی، تهدیدات نظامی، تحریم ها و تهاجم فرهنگی، اما هیچ نقشه ای نمی تواند در برابر اراده خداوند ایستادگی کند. دشمنان همیشه در تلاش بوده اند تا نهضت های اسلامی را خاموش کنند، اما در نهایت خداوند از دل همین تلاش ها، جریانی از حق و بیداری ایجاد کرده است. تدبیر خدا را در ماجرای غزه بینیم که چگونه در دوره ای که جریان استکبار تلاش می کرد روند رابطه با اسرائیل را عادی سازی کند، به برکت طوفان الاقصی و خون شهدای مقاومت، فلسطین مسئله اول تمام



مردم دنیا شد. بله، در این راه هزینه‌های سنگینی داده‌ایم.
مصیبت سیدالشهدای مقاومت، سید حسن نصرالله عجله الله تعالی فرجه،
مصیبت کمی نبود، اما ﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾
(بقره، ۲۱۶). ظاهرش ممکن است ناخوشایند باشد، اما
مؤمن می‌داند که تدبیر خدا بر همه نقشه‌های دشمن غلبه
می‌کند و ما به زودی تحقق این وعده الهی را در فلسطین و
یمن خواهیم دید، ان شاء الله.



شب نهم

استقامت رمز پیروزی

﴿وَأَنْتَ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا ۖ لِنَقْتَبَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۖ وَأَنْتَ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝ ۱۸ ۖ وَأَنْتَ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۝ ۱۹ ۖ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ۝ ۲۰ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۝ ۲۱﴾ (جن، ۱۶-۲۱)

«و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند، حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد، (۱۶) تا آنان را در زمینه فراوانی نعمت بیازماییم و کسی که از یاد پروردگارش روی برگرداند، او را در عذابی بسیار سخت و روزافزون درخواهد آورد، (۱۷) و مساجد ویژه خداست. پس، هیچ کس را با خدا مپرستید (۱۸)؛ و اینکه هنگامی که بنده خدا [محمد] برمی خاست تا





خدا را عبادت کند [از جنیان به اندازه‌ای به سویش هجوم می‌بردند که] نزدیک بود جمعیت انبوه و متراکمی بر سر او بریزد (۱۹). بگو من فقط پروردگارم را می‌پرستم، و هیچ‌کس را شریک او قرار نمی‌دهم (۲۰). بگو من اختیار زیان و هدایتی را برای شما ندارم (۲۱).»

توضیح تدبیری آیات

استقامت کلید گشایش است. امام حسین علیه السلام با استقامت در برابر ظلم راه را برای پیشرفت امت اسلام باز کردند. جمهوری اسلامی هم در عرصه‌های مختلف نشان داد که با استقامت، پیشرفت‌های علمی و نظامی به دست می‌آید.

شرح آیه ۱۶ سوره جن

امشب تاسوعا و به نام علم‌دار کربلاست؛ آن مردی که اسطوره مقاومت و ایستادگی است. در چنین شبی بود که حضرت ابوالفضل علیه السلام امان‌نامه دشمن را رد کردند و با این عمل والاترین درس مقاومت و ایستادگی بر صراط حق را به ما دادند.

سخن امشب را با یک سؤال آغاز می‌کنیم. همه ما به دنبال پیشرفت هستیم: در اقتصاد، فرهنگ، علم و ایمان.



اما پرسش اصلی این است: پیشرفت حقیقی جامعه بر چه اساسی بنا می‌شود؟ آیا منابع مادی و ارتباطات جهانی کفایت می‌کنند؟ یا پیشرفت ریشه در عمق شخصیت‌ها و جوامعی دارد که بر ایمان، تقوا و ایستادگی استوارند؟ آیا می‌توان با سازش، عقب‌نشینی و واگذاری اصول به عزت رسید؟ یا راه عزت تنها از مسیر مقاومت و پایداری می‌گذرد؟ پاسخ قرآن به این پرسش روشن و صریح است: «وَأَنَّ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن، ۱۶)؛ اگر مردم بر راه درست پایداری می‌ورزیدند، از برکات فراوانی آن‌ها را سیراب می‌کردیم. در جایی دیگر، خداوند چنین می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف، ۹۶)؛ اگر مردم آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، درهای برکات آسمان و زمین را به روی آنان می‌گشودیم.

نکته مهم آن است که این آیات را نباید صرفاً در حوزه قیامت و جهان پس از مرگ تفسیر کنیم، بلکه خداوند متعال می‌فرماید اگر در مسیر حق استقامت کنید، در همین دنیا به سعادت خواهید رسید؛ یعنی استقامت و تقوا نه تنها فضیلتی فردی، بلکه رمز پیشرفت اجتماعی است. در آیات سوره صف نیز امت اسلام را به جهاد دعوت،



و آن را تجارتی پرسود معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (صف، ۱۱-۱۰).

خب، این تجارت چه منافعی برای ما دارد؟ به آیه بعدی توجه کنیم.

«يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»: اول مغفرت است؛
«وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ» (صف، ۱۲): دوم هم آن است که وارد بهشت می‌شویم.

اما همه نتایج این جهاد و استقامت مال آن دنیا نیست. در ادامه می‌فرماید: «وَأُخْرَىٰ يُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَسِّيرَ الْمُؤْمِنِينَ» (صف، ۱۳).

در همین دنیا هم به نصرت و پیروزی می‌رسید. فتح و گشایش امور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ما در جهاد و استقامت است.

با توجه به این منطق قرآنی می‌توان نتیجه گرفت که ما در عرصه اجتماعی با دو نگرش مواجهیم:

از یک سو برخی گمان می‌کنند که مسیر پیشرفت از وابستگی به قدرت‌های جهانی می‌گذرد. به عبارت



دیگر، مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن را با رشد و پیشرفت در تضاد می‌بینند. در این تفکر برای کسب رفاه، به سوی سازش، عبور از اصول و دل بستن به وعده‌های دیگران دعوت می‌شود. قرآن، با منافقانه خواندن این تفکر، منشأ چنین نگاهی را ترس معرفی می‌کند: «يَقُولُونَ نَحْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ» (مائده، ۵۲)؛ «می‌گویند: ما بیم آن داریم که حادثه‌ای ما را فراگیرد.»

این ترس از بحران، تحریم یا انزوا پایه‌های استقامت را سست می‌کند. اما چنین رویکردی، نه تنها ما را از خطر نمی‌رهاند، بلکه از مسیر حقیقی پیشرفت نیز منحرف می‌سازد. این تفکر نه تنها شر دشمن را کم نمی‌کند، بلکه او را در مسیر ستمگری‌اش مصمم‌تر می‌سازد.

در مقابل این تفکر، منطق قرآنی است که می‌گوید راه رشد و پیشرفت در گرو نصرت الهی و پایداری در راه حق است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد، ۷)؛ «اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می‌کند و گام‌های شما را استوار می‌سازد.» نیز می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق، ۲-۳)؛ «هر کس از خدا پروا کند خداوند برایش راه خروجی می‌گشاید و از جایی که گمان نمی‌برد روزی‌اش می‌دهد.» در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «وَالَّذِينَ



جَاهِدُوا فِيْنَا لَتَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹)؛ «آنان که در راه ما

تلاش کنند ما راه‌های هدایت را به رویشان می‌گشاییم.»

صحنه قیام عاشورا نیز دقیقاً همین منطق را برای ما به تصویر کشیده است. جامعه اسلامی در مسیر افول و نابودی بود. این مقاومت و این ایستادگی سیدالشهدا علیه السلام بود که مسیر پیشرفت را برای امت اسلام گشود و انحرافی بودن سیره اموی را اثبات کرد.

عزیزان من، رابطه بین استقامت و پیشرفت یک اصل طبیعی و قانون خلقت است. هیچ جوانه‌ای، بدون شکافتن خاک سخت، به نور نمی‌رسد. اگر زمین را برایش بشکافیم، رشد نخواهد کرد. ورزش کار، بدون تمرین سخت، نیرومند نمی‌شود. جامعه نیز همین‌گونه است: بی‌رنج و بی‌پایداری، به رشد نمی‌رسد.

امروز، ملت مقاوم یمن مصداق عینی این حقیقت قرآنی است. همه دیدیم که چگونه با وجود محاصره‌ای همه جانبه از سوی عربستان و حمایت قدرت‌های بزرگ، مردم یمن ایستادند. نه تنها فروپاشیدند، بلکه با استقامت، توان نظامی‌شان به جایی رسید که موشک‌هایشان امروز اعماق سرزمین‌های اشغالی را هدف می‌گیرد و آمریکا به آن‌ها التماس می‌کند تا به ناوهایش حمله نکنند. آیا این



به زانو درآوردن ابرقدرت‌ها توسط یمن نتیجه امتیاز دادن و عقب‌نشینی بود؟ خیر. حاصل استقامت بود و تکیه بر ظرفیت‌های خود. در تاریخ چهل و پنج ساله انقلاب نیز، هر پیشرفتی که حاصل شده، نتیجه ایستادگی و خودباوری بوده است؛ از پیشرفت‌های علمی و دفاعی تا استقلال فرهنگی. درمقابل، هر عقب‌ماندگی ثمره اعتماد بیجا به بیگانگان و چشم‌انتظاری از آنان است. کشوری که شرطی شود فرصت‌ها را می‌سوزاند و زمان را از دست می‌دهد.

خداوند متعال را در این شبِ عباس علیه السلام قسم می‌دهیم که ما را در مسیر مکتب مقاومت، که مکتب سیدالشهدا علیه السلام است، ثابت قدم نگه دارد، ان شاء الله.





شب دهم

پیام امید بخش شهدا

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾﴾

(آل عمران، ۱۶۹-۱۷۱)

«و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند (۱۶۹). درحالی که به آنچه خدا از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمان اند و برای کسانی که از پی ایشان اند و هنوز به آنان نپیوسته اند [و سرانجام به شرف شهادت نائل می شوند] شادی می کنند، که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین





می شوند (۱۷۰). [شهیدان] به نعمت و فضلی از
سوی خدا و اینکه خدا پاداش مؤمنان را تباه نمی کند،
شادمان و مسرورند (۱۷۱).»

توضیح تدبری آیات

شب عاشورا شب آرامش و اطمینان بود، نه شب یأس و
اضطراب. شهدا زنده اند و شادمان، و از آنچه در پیش دارند
راضی اند. این آیه پیام روشن عاشورا و همه شهیدان راه
خداست: ناامیدی ممنوع. اگر دشمنان صف کشیده اند،
اگر سختی هست، ما وارثان نوری هستیم که خاموش
نمی شود. امام حسین علیه السلام با خون خود به ما آموختند که
حتی در محاصره هم باید امیدوار بود. امروز هم شهدا از
ما می خواهند بایستیم، نترسیم، مأیوس نباشیم. هر که
در این راه بماند نه خوفی دارد نه حزنی. راه ما راه همیشه
زنده هاست، نه مرده ها.

شرح آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران

شب عاشورا است. اگر اکنون در میان خیمه ها باشیم،
چیزی جز روحیه مقاومت و امید نمی بینیم. حال و هوای
یاران سیدالشهدا علیه السلام در شب عاشورا نشان می دهد که



در مکتب حسینی، حتی اگر کشته شدنت یقینی باشد، ناامیدی و یأس جایی ندارد. کسی می‌تواند امشب با شهدای حسینی همراه شود که پیام آن‌ها را بشنود. پیام شهدا چیست؟ پیام شهدا امید است. تا خدا هست، که همیشه هست، ناامیدی در سخت‌ترین شرایط هم جایز نیست؛ ناامیدی در هر شرایطی ممنوع است. به سخنان قرآن کریم رجوع می‌کنیم که پیام روشن و دل‌گرم‌کننده شهدا را برای ما بیان کرده است.

آیه‌ای که امشب بر محور آن گرد آمده‌ایم آیه‌ای مشهور است که همه شما آن را درباره شهدا و جایگاه شهدا شنیده‌اید: **﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾** (آل عمران، ۱۶۹).

این آیه به طور ویژه درباره شهدا سخن می‌گوید؛ اینکه شهدا زنده‌اند و شهادت پایان کار شهید نیست: **﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾**. شهید نه تنها نمرده است، بلکه پس از شهادت، دستش بازتر هم می‌شود. حیات شهدا حیاتی اثربخش‌تر است. در ادامه می‌فرماید: **﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾** (آل عمران، ۱۷۰)؛ یعنی شهدا شادمان‌اند. شادمان از چه؟ از اینکه صدق و راستی تمام وعده‌های الهی را به چشم



می بینند. این شادمانی نه تنها به دلیل آرامش در آخرت و ﴿عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفَعُونَ﴾ است، بلکه به معنای خوشحالی از آن است که در مسیر حق قدم گذاشته اند و این مسیر درست بوده است.

حال به پیام شهدا گوش جان بسپاریم. پیام شهدا پیام امید است: ﴿وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (آل عمران، ۱۷۰).

آن ها که عزتمندانه رفتند، به ما نیز بشارت می دهند که این مسیر درست و حق است؛ بشارت می دهند که گرچه این مسیر فرازونشیب دارد، از دست دادن ها و شهادت ها دارد، اما مسیر صحیح، همین استقامت است؛ بشارت می دهند که اگر شما هم در این مسیر قدم بردارید، ﴿أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (آل عمران، ۱۷۰).

راه شهدا راه پیروزی است؛ حتی اگر مسیرش پراز فرازونشیب باشد. این بشارت را در آیات دیگر قرآن هم می بینیم. برای مثال، در آیه سی سوره فصلت خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾ (فصلت، ۳۰).

این آیه درحقیقت می گوید که هر کس در مسیر خدا استقامت کند و در راه درست قدم بردارد هیچ گاه تنها



نخواهد بود. ملائکه به کمک او می آیند و به او اطمینان و آرامش می دهند. این هدیه وعده ای است که از سوی خداوند برای کسانی که در مسیر حق پایداری می کنند فرستاده می شود.

این نکته را هم درباره آیات محوری امشب در سوره آل عمران عرض کنم که بستر نزول این آیات ماجرای احد است که در شب های قبل نیز بیان شد. در ماجرای احد و پس از شهادت عده ای از مسلمانان، برخی منافقان آن خون ها را هدر رفته می دانستند. با این سخنان، جامعه اسلامی دچار یأس و سرخوردگی شده بود. خداوند در پاسخ به این گفتار منافقانه، این آیات را نازل می فرماید تا نشان دهد نه تنها خون شهید هدر نمی رود، بلکه شهید حیات دارد، حیات می بخشد و جلوه ای از حیات بخشی شهید همان پیام امید بخشی است که مانند نسیمی جان امت اسلامی را زنده می کند.

عزیزان من، این امیدواری و عدم یأس امری موهوم و تخیلی نیست، بلکه پشتوانه ای محکم دارد. پشتوانه این امید قادر مطلق عالم، خداوند متعال، است؛ همان خدایی که موسی علیه السلام در کنار دریا درباره اش گفتند: ﴿إِنَّ مَعَ رَبِّي سَيِّدِينَ﴾ (شعراء، ۶۲). گرچه در مقابلشان دریای



خروشان و در پشت سرشان سپاه انبوه فرعون بود، چون خدا را داشتند، امید داشتند. اگر گوش جان ما به پیام شهدا باز شود، جامعه ما نیز به حیات حقیقی خواهد رسید. استقامت و پیمودن مسیر شهدا راه حیات امت هاست.

امروز نیز در گوشه و کنار جهان، نشانه‌های استقامت و پایداری مردم در برابر ظلم و ستم را می‌بینیم. مقاومت بی‌نظیر مردم غزه و مردم یمن نمونه بارز پیش چشم ماست. این استقامت تمام بشر را احیا کرده است؛ حتی دانشجویان آمریکایی را نیز، به رغم همه تهدیدات، به میدان اعتراض ضد صهیونیست کشانده است.

شب عاشورا شب پیام امید و استقامت است. شهدا به ما آموخته‌اند که در هر شرایطی، نباید از خدا ناامید شویم. آنان به ما بشارت می‌دهند که اگر در راه خدا ثابت قدم باشیم، راه باز خواهد شد.



شب یازدهم

قیامی که به پیروزی نهایی منجر می شود

﴿طسم ۱﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۱﴾ نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى
وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۲﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا
شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ
إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۳﴾ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿۴﴾ وَنُكِنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ
وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿۵﴾﴾

(قصص، آیات ۱ تا ۶)

«طسم (۱). این آیات [باعظمت] کتاب روشننگر
است (۲). بخشی از سرگذشت [مهم] موسی و
فرعون را برای [عبرت گرفتن] مردمی که ایمان
می آورند به حق و راستی بر تو می خوانیم (۳). همانا
فرعون [در سرزمین مصر] برتری جویی و سرکشی کرد





و مردمش را گروه‌گروه ساخت، درحالی‌که گروهی از آنان را ناتوان و زبون گرفت، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را [برای بیگاری گرفتن] زنده می‌گذاشت. بی‌تردید، او از مفسدان بود (۴)؛ و ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های باارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت‌ها و سرزمین‌های فرعونیان] گردانیم (۵)؛ و برای آنان در آن سرزمین، زمینه قدرت و حکومت آماده کنیم، و به فرعون و هامان و سپاهشان، که از ایشان اند، چیزی را که از آن هراسناک و در حذر بودند [و آن پیروزی بنی اسرائیل بر آنان بود] نشان دهیم (۶).»

توضیح تدبیری آیات

عاشورا آغاز نهضتی بود که به ظهور حکومت جهانی صالحان می‌انجامد. آن نهضت هنوز زنده است، در چهره مقاومت اسلامی در منطقه و در انتظار فرج. امروز ما وارثان خون حسین علیه السلام و زمینه‌سازان دولت موعودیم.

شرح آیات ۳ تا ۶ سوره قصص

شب شام غریبان امام حسین علیه السلام است؛ شبی که از یک سو مصیبت است و اشک، و از سوی دیگر شب آغاز یک مرحله جدید از نهضت سیدالشهدا علیه السلام؛ مرحله پیام رسانی، تداوم و امید. رزمندگان در روز عاشورا وظیفه خودشان را انجام دادند و حال نوبت کسی همچون زینب کبری علیه السلام است که این نهضت را به سمت مقصدش راهبری کند. اما مقصد این نهضت کجاست؟ امشب با کمک آیات قرآن این سؤال را پاسخ خواهیم داد که آیا عاشورا صرفاً یک واقعه دردناک تاریخی بود یا آغاز یک حرکت؟

روشن است که عاشورا پایان نیست؛ فصلی از نبرد دائمی میان حق و باطل است؛ همان نبردی که از آدم علیه السلام و ابلیس آغاز شد، با نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام ادامه یافت و با رسول خاتم و اهل بیت علیهم السلام به اوج رسید. این رویارویی تا هنگامی که حق به پیروزی نهایی برسد، ادامه خواهد داشت. قرآن کریم در سوره شعراء وعده داده است: ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ (شعراء، ۲۲۷). ستمگران به زودی خواهند دانست چه سرنوشتی در انتظارشان است. همچنین، فرموده است: ﴿فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ (مائده، ۵۶). حال که چنین است، بگذارید مقصد را در آیات قرآن مرور کنیم. خداوند



متعال در آیه پنجم سوره قصص می فرماید: **﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾**.

خداوند نمی فرماید «شاید»، یا «اگر شرایط فراهم شد»، یا «اگر مردم بخواهند»؛ می فرماید: «نُرِيدُ»؛ ما اراده کرده ایم؛ و اراده خدا تخلف ناپذیر است: **﴿وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾** (حج، ۴۷).

آیه پنجم سوره قصص در دل داستان بنی اسرائیل آمده است: **﴿نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾** (قصص، ۳)؛ قومی که سال ها تحت ظلم و شکنجه فرعونیان بودند.

قرآن شرایط را این طور توضیح می دهد: فرعون در زمین علو داشت: **﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ﴾** (قصص، ۴)؛ یعنی مستکبرانه عمل می کرد. خود را پروردگار مردم می دانست: **﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾** (نازعات، ۲۴). او برای اینکه بتواند جامعه را مدیریت کند، نظام ناعادلانه طبقاتی ایجاد کرده بود: **﴿وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ﴾** (قصص، ۴). بنی اسرائیل در این شرایط وضعیت بسیار دشواری داشتند: **﴿يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ﴾** (قصص، ۴)؛ اما این قوم، با صبر و استقامت، سرانجام بر دشمنانشان پیروز شدند و وعده الهی درباره شان محقق شد: **﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾** (قصص، ۵).

یا در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا﴾ (اعراف، ۱۳۷). آنان از استضعاف خارج، و وارث زمین شدند: ﴿وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (قصص، ۶) و آن دشمن مستکبرشان هم نابود شد: ﴿وَنُرِيْ فِرْعَوْنَ وهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (قصص، ۶). در نقطه اوج این وعده، خداوند بنی اسرائیل را به جایگاه برگزیدگی رساند: ﴿وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (دخان، ۳۲)؛ ﴿وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره، ۴۷)؛ یعنی هر سه وعده آیه پنج سوره قصص برای آنان محقق شد. چرا؟ دلیلش صبر بود: ﴿وَوَمَتَّ كَلِمَتِي رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَآئِيلَ بِمَا صَبَرُوا﴾ (اعراف، ۱۳۷)؛ چنان که در جای دیگر می فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ (سجده، ۲۴).

صبر و استقامت، به همراه یقین به وعده‌های الهی، بنی اسرائیل را از فرازونشیب‌ها عبور داد و به عزت رساند. این آیات به ما و تمام امت اسلام نیز نشان می‌دهد که کلید رسیدن به آن مقصد مبارک، که همه در انتظارش هستیم، یعنی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع، از مسیر مقاومت و یقین به وعده‌های الهی می‌گذرد.

بار دیگر به صحنه کربلا نگاه کنیم: در عاشورا، کسانی که در شب شام غریبان در نهایت غربت و اسارت بودند،



چهل روز بعد به چه جایگاهی رسیدند؟ کاروان اسیران کربلا، در کمتر از چهل روز، یزید را به جایی رساند که ناچار شد با خفت و ترس، آنان را با احترام به مدینه بازگرداند.

عزتی که اهل بیت پیامبر ﷺ پس از عاشورا یافتند، تا امروز، در دل تاریخ باقی مانده است. آن خطبه‌ها، آن صبر، آن استواری چنان اثری گذاشت که وجدان‌های بیدار بشر هنوز هم در برابر عظمت آنان سر تعظیم فرود می‌آورند. این تحقق وعده الهی است: «وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». پیروزی در کربلا پیروزی نظامی نبود؛ پیروزی در تحقق وعده خداوند بود؛ و امروز، پثواک این پیروزی را در فلسطین، یمن، لبنان و در سنگرهای گوناگون مقاومت می‌شنویم.

رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که حرکت مبارک انقلاب اسلامی ایران هم بخشی از همان نهضت تاریخی است که از عاشورا آغاز شد و به ظهور ختم خواهد شد، ان شاء الله.

قیام امام حسین ﷺ جریانی را در تاریخ به حرکت درآورد که تا ظهور زنده و فعال خواهد ماند؛ تا زمانی که وعده خدا در سوره انبیاء محقق شود: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵). زمین در نهایت از آن بندگان صالح خدا خواهد شد. این

وعدۀ جهت‌گیری تاریخ بشر را روشن می‌کند. مسیری است که
با عاشورا آغاز شد و با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به اوج می‌رسد.
عاشورا آغاز این حرکت جهانی است، نه صرفاً مظلومیت.
خدای متعال را قسم می‌دهیم که در این شام غربت
و غم، ما را در این مسیر روشن، مسیر زمینه‌سازی ظهور و
حکومت جهانی صالحان ثابت قدم کند، ان شاء الله.







شب دوازدهم

وظیفه ما چیست؟

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٥٥﴾ الَّذِينَ
عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ٥٦
فَأَمَّا تَثَقَفَتْهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدَ بِهِنَّ مَنْ خَلَقَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ٥٧
وَأَمَّا تَخَافَتْ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَاذْبُذِّ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْحَائِنِينَ ٥٨﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ٥٩
وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ
وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا
مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَالْأَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ ٦٠﴾

(انفال، ۵۵-۶۰)

«یقیناً بدترین جنبنندگان نزد خدا کسانی اند که کافرنند
و [به سبب لج بازی و عنادشان] ایمان نمی آورند
(۵۵)؛ همان کسانی که با برخی از آنان [بارها] پیمان





بستی، ولی هر بار پیمانشان را می شکندند و از خدا پروا نمی کنند (۵۶). پس، اگر در میدان جنگ، بر آنان دست یافتی، [با وارد کردن مجازات و عقوبت سنگین بر ایشان] دیگر کسانی را که دنبال آنان اند [و قصد جنگ با تو را دارند] تارومار کن تا متذکر [قدرت شما] شوند [و از خیال جنگ با تو بازایستند] (۵۷)؛ و اگر از خیانت و پیمان شکنی گروهی [که با آنان هم پیمانی] بیم داری، به آنان خبر ده که [پیمان] به صورتی مساوی [و طرفینی] گسسته است؛ زیرا خدا خائن را دوست ندارد (۵۸)؛ و آنان که کافرنند گمان نکنند که با پیمان شکنی خود [بر قدرت حق] پیشی جسته اند. اینان نمی توانند [ما را] عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند] (۵۹)؛ و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و سازو برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آن ها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید؛ و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت (۶۰).»

پس، جهاد تبیین، جهاد آمادگی و جهاد استقامت سه ضلع وظیفه امروز ماست. عاشورا به ما گفت: فقط تماشا نکن... آماده شو.



شرح آیات ۴۵ تا ۶۰ سوره انفال

شب آخرین مجلس است و البته شب شهادت امام سجاد (ع). در این شب‌ها با استمداد از آیات نورانی قرآن تلاش کردیم که گوشه‌ای از مکتب قرآنی قیام کربلا را برای خودمان مرور کنیم. دانستیم که حسین (ع) پیروز حقیقی این نبرد بودند؛ چون اهل مقاومت بودند، یک مقاومت عقلانی. حال در شب آخر نوبت آن است که وظیفه خودمان را از میان آیات قرآن بیابیم. برای شناختن این وظیفه، امشب به سراغ سوره انفال می‌رویم. اگرچه آیه محوری ما آیه شصت است، برای درک بهتر لازم است آیات پیشین را نیز مرور کنیم. این آیات مربوط به اولین جنگ رسمی مسلمانان، یعنی جنگ بدر، در سال دوم است.

در آیات ۴۵ تا ۴۷ خداوند متعال شش دستور به مسلمانان برای رویارویی با جبهه مشرک می‌دهد:

اولین وظیفه ثبات قدم در میدان نبرد است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا»**؛ (انفال، ۴۵)؛

وظیفه دوم به یاد خدا بودن است. مؤمن هیچ‌گاه نباید فراموش کند که پشتوانه اصلی او در مقابل دشمنان و موانع خداست. این پشتوانه است که روحیه امت اسلامی را تقویت می‌کند و پیروزی حقیقی را رقم می‌زند: **«وَأَذْكُرُوا**

اللَّهُ كَثِيرًا أَلَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (انفال، ۴۵)؛

سومین دستور العمل اطاعت کامل از خدا و رسول است؛ رسولی که در حقیقت فرمانده جبهه حق در این مبارزه است: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ (انفال، ۴۶)؛

چهارمین دستور آن است که در جبهه خودی مدام به جدال و نزاع نپردازید. اختلافات طبیعی است. اما این اختلافات نباید انسجام شما را از بین ببرد. البته محور اصلی این انسجام و وفاق نیز خود ولی خداست. ولایت خودش استوانه وحدت است: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (انفال، ۴۶)؛

اما پنجمین مسئله صبر و استقامت است که در این شب‌ها مکرر درباره آن سخن گفتیم: ﴿وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال، ۴۶)؛

آخرین مسئله پرهیز از غرور و خودنمایی است؛ اینکه مبدا در جریان مبارزات جبهه حق اهداف ناپاک که برآمده از هوای نفس است دخالت داشته باشد. مخلصانه مقاومت کنید و هدف‌تان دنیا و آرزوی‌های پست دنیوی نباشد: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انفال، ۴۷).

از آیه ۴۸ تا ۵۸ خداوند متعال ابعاد دیگری از این ماجرا





را تبیین می‌کند؛ از جمله آنکه سپاه دشمن در محاسبات اشتباه خود گمان می‌کند که می‌تواند با تکیه به امکانات خود بر مسلمانان غلبه کند. خب، در نبرد بدر مسلمانان هم از جهت تعداد و هم از جهت ابزار نظامی وضعیت خوبی نداشتند. همین سبب شد که مشرکان گمان کنند که پیروزی شان قطعی است: ﴿وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ﴾ (انفال، ۴۸). از سوی دیگر، جریان نفاق مسلمانان مجاهد و انقلابی را برای انگیزه‌های انقلابی مسخره می‌کردند و می‌گفتند: ﴿إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ﴾ (انفال، ۴۹). می‌گفتند: مگر می‌شود با این وضعیت کمبودها در مقابل دشمن ایستاد؟ در ادامه هم خداوند برای اینکه این منطق را رد کند، فرعون را مثال می‌زند که چگونه او را نابود کرد: ﴿كَذَّابٍ آلَ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ﴾ (انفال، ۵۴).

پس از مرور برخی وظایف مسلمانان در رویارویی با جبهه مشرک به آیه ی محوری امشب، یعنی آیه ۶۰ سوره انفال می‌رسیم؛ آیه ای که بارها شنیده ایم، اما امشب می‌خواهیم با نگاهی عمیق تر و وسیع تر در آن تدبر کنیم؛ زیرا این آیه نقطه کانونی استراتژی مقاومت است: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ

قُوَّةٌ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ».

این آیه فرمان آماده سازی است. خداوند نمی فرماید: «اگر دشمن حمله کرد، دفاع کنید»، بلکه می فرماید: از پیش، هرچه در توان دارید آماده سازید. این یعنی قدرت سازی پیش دستانه و بازدارنده.

﴿مَا اسْتَطَعْنَا﴾ یعنی هیچ محدودیتی در نوع آمادگی نیست. آنچه در توان دارید به میدان بیاورید: در عرصه علم؟ بله. در عرصه رسانه؟ حتماً. اقتصاد مقاومتی؟ ضرورتی انکارناپذیر. تربیت نسل مؤمن؟ واجب تر از همه. ﴿قُوَّةٌ﴾: اطلاق این واژه همه وجوه قدرت را شامل می شود: نظامی، فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، حتی روانی و فکری.

﴿رِبَاطِ الْخَيْلِ﴾: یعنی اسب های ورزیده که در آن زمان، ابزار سرعت و آمادگی رزمی بود. امروز، نماد آمادگی زیرساختی است؛ از سامانه های دفاعی و اطلاعاتی تا رسانه و فضای مجازی.

﴿تُرْهَبُونَ بِهِ﴾: خب، هدف از این آمادگی همه جانبه چیست؟ هدف این آمادگی بازدارندگی است، نه تهاجم. ما به دنبال کشورگشایی نیستیم. هدف ما این است که دشمن نتواند در مسیر رشد و هدایت انسان ها مانع شود.



هدف ایجاد هیبتی است که دشمن را از فکر حمله بازدارد. این ترس ترسی مشروع و دفاعی است.

در یک جمله: این آیه ما را به آمادگی همه جانبه فرامی خواند؛ آمادگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی، رسانه ای و فرهنگی. صحنه عاشورا این حقیقت را روشن کرد که حتی بدون قدرت سربریده می شود و حتی بی تبیین خاموش می ماند. امروز، دشمن در همه میدان ها حاضر است: از رسانه گرفته تا اقتصاد، از سبک زندگی تا تربیت فرزندان ما. پس، ما هم باید در همه میدان ها حاضر باشیم. هر مؤمن، هر خانواده، هر مجموعه باید خود را در جبهه بداند.

یکی از این میدان ها میدان جهاد تبیین است؛ همان کاری که زینب کبری علیها السلام و امام سجاد علیه السلام پس از عاشورا انجام دادند. این همان مفهومی است که رهبر معظم انقلاب، با عمق و جدیت، از آن سخن گفته اند: جهاد امروز جهاد تبیین است؛ یعنی

- فهم درست از دشمن؛
- فهم درست از موقعیت خود؛
- و روشنگری برای دیگران.

آن گونه که از آیات سوره انفال برمی آید، وظایف امروز ما سه ضلع اساسی دارد:



۱. جهاد تبیین: همان کاری که امام سجاد علیه السلام در

خطبه شام کردند؛ همان خطبه‌ای که پایه‌های باطل را لرزاند؛

۲. آمادگی در همه میدان‌ها: از عرصه فضای مجازی

تا اقتصاد خانواده، از بنای قدرت نظامی تا گسترش

بصیرت فرهنگی؛ امروز خانه هر مؤمن باید یک

سنگر مقاومت باشد؛

۳. استقامت در مسیر حق، با اطاعت از ولیّ خدا: اگر

امام سجاد علیه السلام با آن تن رنجور فریاد برآوردند، ما با

زبان سالم و امکانات فراوان، چه بهانه‌ای داریم؟

عزیزان من، دشمن با تمام قوا در میدان حاضر است.

قرآن هم ما را به آماده‌سازی همه‌جانبه فراخوانده است.

عاشورا مسیر تبیین را نشان داده است و این راه ما را به

سمت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام هدایت می‌کند.

بیاییم امشب عهد ببندیم که ما هم بخشی از «قدرت» امت

اسلامی باشیم، ان شاء الله.





سخن پایانی

آنچه در این شب‌های حزن و حماسه مرور کردیم، پیش از هر چیز، این آیه را در برابر دیدگان ما نهاد: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (اسراء، ۹). این قرآن است که استوارترین مسیر را برای زندگی دنیا و آخرت، با بشارت و روشنایی، پیش روی ما قرار می‌دهد؛ راهی که پاداش آن برای آنان است که به نسخه‌های آسمانی آن دل سپرده‌اند. قرآن به ما آموخت که تنها راه پیش‌روی امت اسلام، برای رشد و اعتلا، راه مقاومت است: ﴿وَأَنْتَ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (جن، ۱۶). این مقاومت، منطق عقلانی و مؤمنانه‌ای است که عزت رانه در قدرت‌های پوشالی، بلکه تنها در پیشگاه خداوند می‌جوید: ﴿فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (نساء، ۱۳۹). و آنان که برای کسب عزت، در پی



طاغوت‌های مستکبر روانه می‌شوند، همان منافقانی‌اند که در آتش بیچارگی و سرگردانی خواهند سوخت: ﴿بَشِيرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا * الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْتَبَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ؟﴾ (نساء، ۱۳۸ و ۱۳۹).

قرآن برای ما آشکار ساخت که ریشه‌ی این ذلت، در ترسی نهفته است که شیاطین در دل‌ها می‌افکنند: ﴿إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾ (آل عمران، ۱۷۵). اما مؤمن راستین، که خدا را قدرت مطلق و حاکم مطلق هستی می‌داند، هرگز دچار واهمه نمی‌شود: ﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران، ۱۷۵). حتی اگر در ظاهر، بهره‌اش از ابزار مادی اندک باشد، یقین دارد که پیروزی نهایی، از آن جبهه‌ی صابر و حق‌طلب است: ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره، ۲۴۹).

قرآن به ما نشان داد که میدان زندگی، همواره صحنه‌ی رویارویی حق و باطل است، و فراز و نشیب‌های آن، از سنت‌های همیشگی تاریخ بشر است: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُذَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ (آل عمران، ۱۴۰). آنچه اهمیت دارد، چنگ زدن به ریسمان الهی و پایداری در جبهه‌ی حق است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران، ۱۰۳). در این میدان، نباید در برابر امتحانات الهی سستی کنیم یا از



شکست های ظاهری نومید شویم: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران، ۱۳۹).

قرآن بانگ برمی آورد و هشدار می دهد: ای مؤمنان، مبدا در برابر سختی ها و فراز و نشیب ها، بر زمین مذلت بنشینید و منطق مقاومت را فروگذارید. مبدا به امید خوشی های زودگذر دنیای فانی، با چهره ای منافقانه به سوی دشمن گرایش یابد؛ دشمنی که هرگز از شما خشنود نخواهد شد، مگر آن که به کیش او درآید: ﴿وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾ (بقره، ۱۲۰). آنان جز به نابودی و محو کامل شما رضایت نمی دهند. پس فریب لبخندها و اظهار محبت های شان را نخورید، که ﴿وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَقْبُضُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةٌ يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْفَرُهُمْ فَاسِقُونَ﴾ (توبه، ۸).

اکنون، ماییم و فرمان قرآن؛ باید مردانه در میدان بایستیم، آن چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ، عَضُّ عَلَى تَاجِكَ، أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ، تَدُ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ، اِزْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَغَضُّ بَصْرِكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱). باید در همه ی عرصه ها برای مقابله با چنین طاغوت عهدشکنی آماده باشیم تا هرگز اندیشه ی دست درازی به امت ایمانی ما را



در سر نپوراند: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (انفال، ۶۰).

آنچه قرآن برای ما ترسیم کرد، تصویر حقیقی قیام کربلاست؛ روایتی که آینده‌ی پرشکوهش را خون حسین بن علی علیه السلام و یاران شهیدش بشارت داده‌اند: ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (آل عمران، ۱۷۰). راه مقاومت، همان مسیر روشن و مطمئنی است که تحقق وعده‌ی الهی درباره‌ی حاکمیت صالحان را در پی خواهد داشت: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص، ۵).

آری، این، «روایت پیروزی» است.



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم: دارالحديث، بی تا.
۳. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، بی تا.
۴. تحف العقول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، قم: دفتر نشر اسلامی، بی تا.
۵. المیزان في تفسير القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبایی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۶. مفاتیح الغیب، فخرالدین محمد بن عمر رازی، بی جا: بی تا، بی تا.
۷. مشکاة الأنوار، علی بن حسن طبرسی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.

آن روز می‌خواستند یاد حسین بن علی علیه السلام و خورشید اسلام را خاموش کنند. جان‌های احرار را ستاندند و خاندان احرار را به اسارت بردند. اما نهایت چه شد؟

این تاریخ است که با فریادی رسا گواهی می‌دهد که حسین علیه السلام «پیروز حقیقی» آن میدان بودند. کدامین بیرق ایستاده ماند و کدامین بیرق در آتش فراموشی تاریخ سوخت؟ از این منظر، روایت کربلا روایت سرشار از «فتح» و «عزت» است که نتیجه یک منطق عقلانی و امیدبخش بود؛ یعنی «منطق مقاومت».

آری، کربلا در سال ۶۱ هجری قمری تمام نشد، بلکه خورشیدی شد که در هر عصر طلوع می‌کند؛ گاه در قلب صلابت ایران، گاه در استواری یمن و گاه در ایستادگی غزه. فریاد همان فریاد است و راه همان راه.

به ندای مستدام حسین علیه السلام لبیک بگوییم و گام در این راه بگذاریم که اکنون نوبت ماست.